

نظام مالیاتی و سیاست‌های وام‌دهی در شاهنامه فردوسی

سمیه ارشادی*

دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهش‌گر شاهنامه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۸

چکیده

مالیات‌ها در شاهنامه به‌عنوان مهم‌ترین منابع درآمدی از شاخصه‌های اساسی در تأمین بودجه‌های نظامی، مخارج سپاهیان و سایر هزینه‌های دولت به‌شمار می‌آیند و ضامن حفظ و بقای ساختار امنیتی، سیاسی و اقتصادی کشورند. بهترین مشوق‌های مالیاتی در شاهنامه، تمرکز بر دریافت‌های اصولی و عادلانه مالیات‌ها از مردم است؛ از این‌روی، بخش مهمی از قوانین و سیاست‌های پیش‌گیرانه شاهان به ساختارهای مالیاتی و همچنین تلاش آنان در جهت حذف یا کاهش موانع و چالش‌های فراروی اخذ مالیات (به‌ویژه بی‌عدالتی در دریافت‌های مالیاتی) مربوط می‌شود؛ با این وصف، چارچوب‌های نظام مالیاتی شاهنامه، در کنار سیاست‌های وام‌دهی که موجب ثبات اقتصادی، گردش مالی و پولی و توزیع عادلانه درآمدها می‌گردند اهمیت دوچندان می‌یابند.

در پژوهش حاضر، افزون‌بر نگاهی به سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و نمودهای وام‌دهی در شاهنامه به بررسی جنبه‌های حقوقی، قانونی و جزایی ناشی از رسم دریافت مالیات پرداخته شده تا اهمیت هرچه بیش‌تر گزارش شاهنامه در زمینه اقتصاد و قوانین مالیاتی در دوره ساسانی و پیش از آن به اثبات رسد. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که جدای از معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی (اسکندر، اردشیر، بهرام گور و پیروز یزدگرد)، گماردن بازرسان قضایی برای آگاهی از شرایط مناطق گرفتار فقر و بخشودگی خراج ایشان (اردشیر)، و اعطای وام (بهرام گور) که همگی پیش از قباد انجام می‌شوند، اصلاحات بنیادین مالیاتی و اقتصادی انوشیروان، پیرو اندیشه‌های پدر، افزون‌بر تلاش در جهت سازمان‌دهی مالیاتی از طریق

مساحت کردن زمین‌ها، تعیین ترتیب زمانی معین در پرداخت‌ها، شاخص‌گذاری دقیق نرخ‌های مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی، قسط‌بندی، فرصت‌دهی برای وصول مالیات‌های عقب‌افتاده، گماردن مأموران مخفی و اطلاعاتی، نظارت شخصی، ایجاد دفاتر دولتی و تدوین نسخه‌های دقیق و قانونی و نیز تعیین مجازات‌های بسیار شدید، گامی در جهت تحقق عدالت مالیاتی و شفافیت دقیق آن برای دولت محسوب می‌گردد که در نهایت، هم به سود مردم و هم شاه و کشور تمام می‌شود.

کلید واژگان: مالیات، اصلاحات مالیاتی، تخلفات مالیاتی، بخشودگی مالیاتی، وام‌دهی، شاهنامهٔ فردوسی.



مقدمه

در شاهنامه تا پیش از دوره ساسانی هیچ اشاره واضحی در مورد دریافت خراج از مردم عادی (زارعت‌کننده/باغ‌دار) از سوی شاهان «ایرانی» دیده نمی‌شود؛ بنابراین نخستین کس در این باره مشخص نیست؛ اما به گزارش نهاییه‌الارب، الکامل و تجارب‌الامم، کهن‌ترین اشاره اساطیری پیرامون نظام مالیاتی و دریافت خراج به جمشید بازمی‌گردد که یکی از مهرهای چهارگانه‌اش با عنوان «العماره/آبادی»، مربوط به امور خراج و گرفتن اموال بود (نوری، ۱۳۶۷: ۱۰/۱۴۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱/۶۸؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۵۱). در برخی منابع هم ضحاک نخستین کس دانسته شده که باژ را پایه گذارد، درم به نام خود زد و ده‌یک را قانون کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱/۷۹؛ طبری، ۱۳۸۳: ۱/۱۳۷؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۱؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۵۲؛ نوری، ۱۳۶۷: ۱۰/۱۴۹). براساس شاهنامه نیز شاید بتوان مصرع «بریشان ببخشید سود و زیان» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۱/۲۶) را درواقع، بخشیدن مالیات توسط ضحاک پس از کشتن پدرش مرداس و نشستن‌اش بر تخت تازیان دانست؛ در مقابل، در تاریخ قم آمده: «و چنین گویند اول کسی که بر زمین عشر نهاد کیقباد بود» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۰). وضع خراج بر رعایا در زمان زو طهماسب (داراب هرمزديار، ۱۹۲۲: ۱۲/۴۲۳) و تشکیل دیوان‌های حکومتی و تنظیم حسابداری و مالیات و دریافت خراج برای نخستین بار از سوی لهراسپ (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۰-۳۱؛ همو، ۱۳۴۳: ۲۹) از دیگر موارد به‌شمار می‌آیند؛ با این حال، مهم‌ترین اشارات در این باره چه در شاهنامه و چه سایر منابع، اشاره به اندیشه‌ها و سیاست‌های قباد و در ادامه، اقدامات اجرایی پسرش انوشیروان است که در این بخش از اقتصاد کشور رخ می‌دهد.

دریافت‌های مالیاتی در شاهنامه از مهم‌ترین منابع و روش‌های کسب درآمد و تثبیت بودجه دولت‌ها، حفظ امنیت مالی کشور، ارزیابی هرچه بهتر سیستم اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها محسوب می‌شوند و از این‌روی دریافت آن‌ها برای دولت‌ها بسیار دارای اهمیت است. دلایل گوناگون دریافت مالیات در شاهنامه، نشان‌دهنده ارتباط مستقیم و چندسویه، میان تأثیر دریافت عادلانه مالیات به‌ویژه از بخش کشاورزی، با تأمین هزینه‌های نظامی و پرداخت حقوق سپاهیان، حفظ امنیت کشور، استواری بنیان شاهی، اقتصاد و آبادانی است که به شکل ارتباطی سلسله‌وار بارها در منابع مختلف مورد توجه قرار گرفته؛ هم‌چنان‌که بنابر اشاره دین‌کرد سوم، عدم بودجه و دارایی‌های کافی برای دستگاه حکومتی که از منبع مالیات‌ها تأمین می‌شود، سبب آشوبی سلسله‌وار در نهاد دولت خواهد گشت (کتاب سوم دین‌کرد، ۱۳۸۴: ۱۲/۷۹). در غرر‌السیر نیز از زبان اردشیر آمده: «خراج ستون کشور است که با داد افزایش گیرد و از ستم کاهش» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۸۴). رابطه آبادانی و دریافت عادلانه مالیات در وصیت شاپور

اردشیر به فرزندش به نقل از *الوزراء و الکتاب* (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۶؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۳) و تأثیر ستم بر مردم و بی‌رغبتی آنان و کم شدن خراج و بودجه دولت از دیدگاه منوچهر (طبری، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۹۲) شکلی از همین ارتباط چندسویه است که در توصیه موبدان، خطاب به بهرام بهرام و از زبان انوشیروان به نقل از *مروج‌الذهب* هم دیده می‌شود (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۴۸ و ۲۶۴). اهمیت تأمین نیاز مالی برای سپاه و تأثیر آن بر مقوله امنیت که بسته به خزانه شاه و خزانه شاه هم بسته به میزان و چگونگی دریافت مالیات‌هاست، از جمله مهم‌ترین نگرش‌های شاهان *شاهنامه* هم به‌شمار می‌آید که در این بیت به‌روشنی قابل دریافت است: «چو بی‌گنج باشی نپاید سپاه/ تو را زیردستان نخوانند شاه» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/ ۱۰۵۱). اردشیر هم در اندرز خود با ایرانیان بر لزوم پرداخت خراج چنین تأکید می‌کند:

مگر آنچه آید شما را فزون	بیارد سوی گنج ما رهنمون
ز دهیک که من بستدم پیش ازین	ز باژ آنچه کم بود، اگر بیش ازین
همی از پی سود بردم به کار	به در داشتن لشکر بی‌شمار
	(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/ ۳۹۰)

از این روی، شاپور اول به‌محض بر تخت نشست، در مورد لزوم دریافت مالیات برای تأمین هزینه‌های سپاه چنین می‌گوید: «درم، تا به لشکر دهم اندکی» (همان: ۴۰۱). بر این اساس، تأکید بسیار شاهان *شاهنامه* مبنی بر ارتباط میان دریافت خراج با عدالت، آبادانی، تأمین مخارج سپاهیان، امنیت اجتماعی و ملی و درنهایت، پایداری دولت و شاه از همین‌جا نشأت می‌گیرد: «نهادیم بر روی گیتی خراج/ گزیت درخت از پی تخت‌وتاج» (همان: ۴/ ۶۲۶). این ارتباط مهم سیاسی-اقتصادی در منابع دیگر نیز دیده می‌شود (نویری، ۱۳۶۷: ۱۰/ ۲۰۲؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۳).

بر این اساس و برطبق یک بررسی کلی در تمامی متن *شاهنامه*، سیاست شاهان در لزوم پرداخت مالیات، عموماً به دلایلی چون «امنیت اقتصادی و تأمین مخارج سپاه و هزینه‌های دولت»، «سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و آبادانی» و «کاهش فاصله طبقاتی» گزارش شده است. انواع مالیات نیز شامل «مالیات سرانه (گزیت)»، «مالیات ارضی/ زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها (خراگ/ خراج)»، «مالیات نظام آبیاری»، «مالیات و عوارض گمرکی از تجار و بازرگانان (جهت تأمین امنیت)»، «مالیات آیین»^[۱] و «مالیات پیروان مذاهب دیگر»^[۲] می‌گردد. در این میان، بیش‌ترین سهم از درآمدهای مالیاتی مربوط به مالیات ارضی (زمین‌های کشاورزی) است که به‌صورت جنسی^[۳] و نقدی از مردم دریافت و در دفاتر مشخصی به همراه دیگر مالیات‌ها زیر نظر دیوان خراج ثبت می‌شود که اشارات *شاهنامه* به خوبی آن را تأیید می‌کند؛ مسؤلیت گردآوری مالیات‌ها نیز در *شاهنامه* ابتدا زیر نظر زمامداران هر ناحیه و سپس‌تر در



دوره ساسانی با اشاره‌ای کاملاً واضح، توسط کارگزاران مالیاتی گردآوری و یک‌جا به خزانه واریز می‌شود.^{۱۴} محل مصرف مالیات‌های دریافتی هم برحسب نیاز زمانی و نظر شاه، متغیر است که بر مبنای بررسی‌های انجام‌شده به ترتیب اهمیت شامل: مخارج نظامی، پرداخت حقوق سپاهیان و تأمین امنیت، توسعه زیرساخت‌های عمرانی و گسترش آبادانی‌ها، مخارج دربار، پرداخت مساعدت‌ها و... می‌گردد.

پیشینه پژوهش: تنها پژوهش‌های مربوط به شاهنامه در این‌باره پایان‌نامه بررسی مسائل اقتصادی در شاهنامه (هاجر امیری کله‌جویی، ۱۳۹۲) است که البته در آن به مالیات ارضی و مالیات سرانه تنها به‌عنوان منابع درآمدی دولت نگاهی شده؛ کتاب *سنجش منابع تاریخی شاهنامه در پادشاهی خسروانوشیروان* (فرزین غفوری، ۱۳۹۷) هم دیگر پژوهشی است که در آن به بررسی و مطالعه تطبیقی منابع، پیرامون اصلاحات مالیاتی انوشیروان پرداخته شده؛ از این روی در این زمینه، تنها می‌توان به برخی پژوهش‌های تاریخی اشاره نمود: *اصلاحات خسروانوشیروان*، (Rubin, 1995)؛ *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی* (آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲)؛ نگاهی دیگر به *اصلاحات مالیاتی ساسانیان در دوره خسروانوشیروان*، (حسین بادامچی و مریم غلامی، ۱۳۹۲)؛ *برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی*، (حسنعلی عرب و حسین صادقی، ۱۳۹۲) و بررسی *نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسروانوشیروان*، (علی‌اصغر میرزایی، ۱۳۹۴). مقاله پیش رو، افزون بر بررسی موضوع مالیات و نقاط ضعف و قوت آن و نیز سیاست‌های شاهان شاهنامه در این زمینه، نگاهی هم به جنبه‌های حقوقی، قانونی و جزایی ناشی از رسم دریافت مالیات و همچنین سیاست‌های وام‌دهی در تمامی متن شاهنامه داشته است که در چند مورد مهم قابل ارزیابی‌اند: ۱. اجرای عادلانه و صحیح نظام مالیاتی؛ ۲. جلوگیری از تخلفات مالیاتی؛ ۳. معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی؛ ۴. اعطای وام و مساعدت در بازپرداخت آن. لازم به توضیح است ضمن آن‌که نگارنده در مواقع لزوم از تصحیح‌ها و شرح‌های معتبر شاهنامه بهره برده، اما تصحیح جلال خالقی مطلق (چهارجلدی نشر سخن) را مبنای کار قرار داده است.

۱- اجرای عادلانه و صحیح نظام مالیاتی

دوام و تثبیت قدرت شاهی بر پایه اقتصادی سالم و عادلانه، ایجاد قوانین درست و نظارت‌هایی قاعده‌مند و اصولی امکان‌پذیر می‌شود و هرگونه تبعیض و ستم بر مردم، ضعف، ناکارآمدی و فساد در سیستم مالیاتی و دریافت‌ها، بنا بر اشارات صریح شاهان شاهنامه، امنیت اقتصادی، اجتماعی و ملی را با خطر مواجه خواهد ساخت. در این راستا بهره‌مندی از یک نظام مالیاتی کارآمد، اصلاح قوانین و مقررات مالیاتی، شفافیت و انصاف مالی، نظارت و بازرسی در

راستای بهبود سیستم مالیاتی و اصلاح فرآیندهای نادرست در اخذ مالیات، سبب کاهش فرار مالیاتی و جلوگیری از اختلال در سیستم دریافت‌ها می‌شود؛ این در حالی است که پیش از اندیشهٔ اصلاحات مالیاتی قباد و ادامه و اجرای آن از سوی انوشیروان، نظام مالیاتی به شکلی قاعده‌مند و منظم اداره نمی‌شد و این امکان وجود داشت که زمین‌داران بزرگ و کارگزاران مالیاتی، شفافیتی در میزان دریافتی‌ها ارائه ندهند و در نتیجه، میزان درآمد واقعی دولت از این راه چندان مشخص نباشد و تخلفات مالی بسیاری هم صورت گیرد؛ از طرفی، این بی‌نظمی‌ها و دریافت‌های خارج از قاعده و قانون سبب می‌شد تا مالکان بزرگ و اشراف با اختصاص امتیازات خاص از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند؛ در مروج‌الذهب به شکل مفصلی به این معضل در زمان بهرام بهرام اشاره شده که نشان می‌دهد، وزیران برای رعایت حال خاصان پادشاه، مالیاتی از ایشان مطالبه نمی‌کردند و در نتیجه، مملکت رو به ویرانی نهاد و آبادانی‌ها کاهش یافت (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۴۶). به گزارش طبری نیز علت اصلی اصلاحات مالیاتی انوشیروان، جلوگیری از نامدیریتی در تنظیم بودجه کشور، وجود منابع مالی کافی در خزانه شاهی جهت حفظ اقتدار سیاسی- نظامی و امنیت ملی، و نیز وابستگی مستقیم زمین‌داران بزرگ به شاه دانسته شده (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۰۲)؛ به همین جهت است که پیگولوسکایا عقیده دارد اصلاحات مالیاتی جدید به سود زمین‌داران متوسط (دهقانان) و با هدف استحکام پایه‌های دولت و دربار وضع گردیده بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۴۵۶). به‌ویژه آن‌که تصرف بخش زیادی از مالیات‌ها توسط فئودال‌های بزرگ موجبات ناخرسندی شاه را فراهم نموده بود (کولسنیکف، ۱۳۵۷: ۱۱۲). با این وصف، نیاز بود تا کارگزاران شاهی، عهده‌دار دریافت مالیات تمامی اراضی گردند تا نظارت‌ها و عملکردها به شکلی کاملاً قانونی صورت پذیرد؛ جدای از دلایل یادشده، در برخی منابع دیگر از جمله تجارب‌الامم و نهایه‌الارب، کاهش ستم و رنج بار خراج بر مردم، دلیل اصلی این اصلاحات عنوان شده (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۸؛ نویری، ۱۳۶۷، ۱۰/ ۲۰۲) که این خود بیانگر ظلم بسیاری است که از طریق دریافت مالیات بر مردم تحمیل می‌شد؛ به‌ویژه آن‌که به دلیل سنت واگذاری زمین‌ها (اقطاع/ تیول)، مالکان بزرگ، با دهقانان مرتبط بوده و شخصاً مالیات‌ها را دریافت می‌کردند؛ بنابراین به دلیل عدم نظارت مستقیم دولت، ستم فراوانی هم به روستاییان وارد می‌آمد. در کنار دلایل یادشده، آشفتگی‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی در پی ماجرای مزدک و تلاش برای تسلط بر اوضاع اجتماعی و کاهش ناآرامی‌ها و نارضایتی‌ها از مهم‌ترین دلایل انوشیروان برای اصلاحات مالیاتی عنوان شده است؛ به باور روبین، شورش مزدکیان بهانه و فرصت لازم را برای مبارزه شاه با ساختارهای اشرافی و چیرگی بر آن‌ها فراهم آورد (Rubin, 1995: 228). غفوری نیز در این باره می‌نویسد: «هرچند



جنبش یادشده شکست خورد، اما دولت ساسانی به انجام اصلاحات مالیاتی با هدف کاهش فشار بر مردم و ایجاد یک درآمد ثابت برای خزانه متقاعد شده بود» (غفوری، ۱۳۹۷: ۶۴).
 به هر روی، آنچه در این‌باره از شاهنامه برداشت می‌شود، وجود نقاط ضعف و چالش‌های سیستم مالیاتی پیش از قباد است که منجر به اندیشه اصلاحات در زمان او و ادامه و انجام آن از سوی انوشیروان می‌گردد. در این راستا و بنابر گزارش شاهنامه، انوشیروان پس از بر تخت نشستن برای جلب رضایت عمومی جامعه، ایجاد شفافیت و فراهم نمودن بودجه‌ای ثابت برای خزانه دولت، دست به اصلاح قوانین مالیاتی^{۱۵} می‌زند که به ترتیب ابیات مطرح‌شده در شاهنامه از این قرارند: ۱. بخشش خراج ده‌یک؛ ۲. مشخص نمودن خراج میوه‌های رسیده به‌صورت نقدی، و کم کردن فشار مالیاتی بر کشاورزان؛ ۳. معافیت مالیاتی محصولات خردادماه و محصولاتی که دچار آفت و خشک‌سالی شده‌اند؛ ۴. تعیین مالیات سرانه از چهار تا ده درهم؛ ۵. تنظیم سیستم و دفاتر مالیاتی دقیق؛ ۶. گماردن ناظران و کارآگاهان مخفی برای نظارت بر کار مالیات؛ ۷. قسط‌بندی مالیات‌ها و اعطای فرصت به کسانی که توانایی پرداخت سر موعده را نداشتند (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴-۶۲۷).

اصلاحات مالیاتی انوشیروان، منجر به ثبات و شفافیت درآمدهای مالیاتی و عمل براساس چارچوب‌های قانونی، کاهش خودسری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در دریافت خراج و رعایت عدالت و تأمین رفاه نسبی کشاورزان و زمین‌داران کوچک و باغ‌داران می‌گردد که تمامی این‌ها منجر به رونق اقتصادی و سازمان‌دهی امور مالیاتی و تحولاتی بنیادین در ساختار حکومت ساسانی می‌شود. از سویی، ترتیب اخذ مالیات، شکلی نوین‌تر به خود گرفته و قوانین جدید با قاعده و روش منظم در این‌باره، وضع و سازمان‌دهی می‌گردند و دیوان‌های اداری و دفاتر مالیاتی که خود نشان‌گر سامان‌دهی دقیق و اصولی برای منابع مالی دولت‌اند توسعه می‌یابند؛ بر این اساس و به‌طور کلی، اشکالات و در ادامه، اصلاحات و سیاست‌های مالیاتی شاهان شاهنامه در چند محور مهم قابل برداشت و بررسی‌اند که عبارتند از:

۱-۱- روش مقاسمه و سهم دولت از میزان محصولات:

نخستین اشاره شاهنامه در پادشاهی انوشیروان به سیستم دریافت‌های مالیاتی که در بسیاری منابع هم از آن یاد شده، استفاده از روش «مقاسمه» (دریافت مالیات براساس میزان آبادانی و مقدار محصول زراعی) در میان شاهان پیشین است که بر مبنای آن، شاهان در میزان محصول مردم با آن‌ها شریک بودند: «بجستند بهره ز کشت و درود» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴). به بیان مسعودی در التنبیه و الاشراف نیز بر مبنای روش مقاسمه، محصول برداشتی میان شاه و زارعت‌کننده، و یا باغ‌دار تقسیم می‌شد (مسعودی، ۱۳۸۹: ۹۵)؛ جهشیاری نیز در این-

باره آورده است: «و کان ملوک فارس، قبل انوشیروان، یقاسمون الناس علی ثمارهم و غلاتهم: پیش از انوشیروان، پادشاهان ایران در درآمد محصول میوه و غله مردم با ایشان شریک بودند» (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۴؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۱). استفاده از این روش در صور/الارض هم دیده می‌شود (ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲/۳۰۳؛ همو، ۱۳۶۶: ۷۰). به گزارش طبری میزان دریافتی‌ها در این روش از یک منطقه به منطقه دیگر به نسبت آبادی و آب‌گیری (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۱-۷۰۲) و به گفته دینوری، بر مبنای نزدیکی زمین‌های کشاورزی به شهرها و فراوانی و خوبی محصول متفاوت بوده است (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰).

آن‌چه از اشارات موجود در شاهنامه و منابع دیگر برمی‌آید این است که «مقاسمه» و روش‌های پیشین و به‌طور کلی نبود نظارت و قواعد مناسب مالیاتی مشکلات زیادی را به‌هم‌راه داشت؛ از آن جمله: «بی‌نظمی‌ها و تفاوت‌های بی‌شمار در میزان و مقدار دریافت مالیات‌ها و نارضایتی رعیت» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۹۳)، «متروک ماندن اراضی تحت کشت و تغییر مقدار عواید واصله به خزانه» (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۴۵۳)، «عدم وصول خراجی ثابت» (فرای، ۱۳۷۷: ۳۶۵)، و نیز «عدم تناسب مالیات با درآمد و برداشت محصول مالیات‌دهندگان»، «روش پرداخت نامناسب و ناعادلانه»، «امکان خرابی محصول»، «نبود فرصت کافی برای پرداخت»، «دریافت مالیات مستقیم از روستاییان توسط زمین‌داران و مالکان بزرگ»، «استفاده زمین‌داران بزرگ از امتیازات خاص»، «فرار مالیاتی برخی زمین‌داران بزرگ با پرداخت رشوه»، «عدم ارسال تمامی مالیات‌های اخذ شده توسط کارگزاران مالیاتی به خزانه دولت» و «ارتباط میزان محصولات با خشک‌سالی‌ها» که به اشاره شاهنامه، معافیت‌ها هم به همین خشک‌سالی‌های بی‌موقع صورت می‌گرفت؛ چراکه خشک‌سالی‌ها، میزان بارندگی‌ها و سایر موارد در نوع و مقدار محصول برداشتی تأثیرگذار بودند و در روش «مقاسمه» و مالیات براساس محصول، ممکن بود که به کشاورزان فشار وارد شود و مالیات با توجه به عوامل طبیعی و بدون توجه به مقدار زراعت از روی عدل و انصاف دریافت نشود. همه این موارد سبب کاهش میزان رضایت زمین‌داران و باغ‌داران و در نتیجه عدم تمایل آنان به ادامه کار و افزایش خرابی‌ها و کاهش آبادانی‌ها می‌شد که این چرخه، بنابر اشارات شاهان شاهنامه، در نهایت، بر میزان دخل و خرج دولت و مخارج سپاهیان و کاهش امنیت اجتماعی و ملی و قدرت سیاسی تأثیر می‌گذاشت. بر این اساس، تصمیم قباد و تلاش انوشیروان مبنی بر تغییر و جای‌گزینی این روش به شیوه جدیدتر، منجر به سازمان‌دهی مالیاتی براساس روش «مقاطع» شد که در آن دریافت مالیات براساس مساحت زمین و در نظر گرفتن نوع محصولات و حاصل‌خیزی زمین‌ها، برداشت حقیقی محصول، دریافت به‌موقع مالیات و درجه‌بندی و قیمت‌گذاری محصولات، در نظر گرفته شد و



بسته به کشت یا عدم کشت و در شرایط جوّی خاص متفاوت بود و مهم‌تر آن که در این روش، کشاورزان در استفاده از محصولات خود پیش از پرداخت سهم مالیاتی شاه آزاد بودند که اشارات آن در شاهنامه و منابع دیگر به‌روشنی دیده می‌شود (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴-۶۲۵؛ طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۱-۷۰۲؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲/۳۰۴؛ همو، ۱۳۶۶: ۷۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۲/۵۲۷؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۹۳؛ جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۴؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۱؛ مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/۲۶۲؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۷۳-۱۷۵؛ نویری، ۱۳۶۷: ۱۰/۱۹۲؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱/۲۰۳؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۰؛ آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۴). این اصلاحات، خرده‌کشاورزان را به زمین‌های خود بازمی‌گرداند و آنان می‌توانستند با دریافت کمک‌های مالی از دولت شروع به کشت مجدد کنند و در برابر بلایای طبیعی نیز از حمایت شاه برخوردار باشند. (Rubin, 1995: 254) به اشاره شاهنامه، انوشیروان در ادامه اندیشه پدر و رفع کاستی‌های موجود، دستور به مساحت و بخش‌کردن زمین‌ها می‌دهد:

همه پادشاهان شدند انجمن زمین را ببخشید و بر زد رسن
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴)

اشاره به مساحت دشت و کوه در برخی منابع (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۲؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۷۳) می‌تواند نشان‌گر این باشد که تمامی زمین‌های شاهی، زمین‌های بزرگان و اشراف، آتش-کده‌ها و زمین‌های خرده‌کشاورزان جزو این برنامه اجرایی قرار داشت و در این باره هیچ استثنایی لحاظ نشده بود (میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

۱-۲- نبود نظم و ترتیب در دریافت‌های مالیاتی:

گام دوم اصلاحات انوشیروان در تبدیل روش مقاسمه به مقاطعه، تعیین مالیات برحسب نوع محصول (نه میزان محصول) و تبدیل روش دریافت خراج از شیوه جنسی به نقدی و تعیین تعرفه‌های جدید مالیاتی بود؛ البته که در کنار دریافت‌های نقدی برای پرداخت حقوق سپاهیان و دیگر نهادها، خراج در قالب پرداخت جنسی نیز اهمیت خود را داشت که برای دولت ضروری بود و بنابراین به شکلی ترکیبی با مالیات نقدی هم‌چنان ادامه یافت:

گزیت رز^{۱۶} بارور شش درم به خرماستان بر^{۱۷} همین بُد رقم
ز زیتون و از گوز و هر میوه‌دار که در مهرگان شاخ بودی به بار
ز ده‌بُن، درم یک رسیدی به گنج نبودی جزین نیز تا سال رنج
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴-۶۲۵)

اشاره فردوسی در این ابیات، بیت قبل و چند بیت بعد، علاوه بر مساحت کردن زمین‌ها و آگاهی از زمین‌هایی که در آن کشتی صورت نگرفته بود و معافیت آن‌ها، نشان از یک

سرشماری عمومی از درختان انگور، خرما، زیتون، گردو و دیگر میوه‌ها، تعیین یک درم برای هر ده بُن درخت در سال و نیز در نظر گرفتن افرادی که کشتی نمی‌کردند و مالیات سرانه بر آنان اعمال می‌شد دارد. گزارش طبری نیز نشان می‌دهد که انوشیروان با این سرشماری، افزون بر قاعده نرخ‌های جدید و با موعد مقرر (سه نوبت در سال)، خواهان نوعی نظم در اقتصاد مالی و تنظیم بودجه کشور بود (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۲/۲) تا از خطرات تهی بودن خزانه و پیامدهای ناشی از آن جلوگیری شود و درآمدهایی ثابت از مالیات زمین‌ها به خزانه واریز شود (میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). ابن بلخی جزئیات این محاسبات را آورده (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۹۳) و گزارش جهشیاری هم از سرشماری املاک و آمارگیری درختان میوه و خرما و دریافت خراج (یک سوم) در سه قسط، هر چهارماه یکبار خبر می‌دهد (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۴-۳۵؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۱). تعیین نرخ‌های پولی ثابت و مشخص بر مالیات زمین‌های کشاورزی با توجه به میزان محصولات و نوع آن‌ها و با شیوه‌ای کارآمد و اصولی این امکان را برای دولت فراهم می‌ساخت تا درآمدها و هزینه‌های بودجه را بهتر و دقیق‌تر پیش‌بینی و ارزیابی کند (Rubin, 1995: 261).

۱-۳. سه یک یا چهار یک بودن سهم شاهان پیشین از محصولات:

شاهان پیشین در هر جاه، مرتبه و قدرتی که بودند همگی از زمین‌های کشاورزی و محصولات از سه تا چهار یک بهره می‌گرفتند. سهم دولت در اندازه‌های یک‌سوم تا یک‌ششم محصول و بسته به آبادی (طبری، ۱۳۶۲: ۷۰۱-۷۰۲)، نصف تا یک‌دهم محصول (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰) و یک‌سوم و حداقل یک‌ششم و به همان میزان، گرفتن حق آبیاری و مسکن (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۴؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۱) گزارش شده است. به بیان شاهنامه، اندیشه قباد در راستای اصلاح و عدالت مالیاتی و کاهش سهم دولت به ده یک و حتا کم‌تر از آن از سوی جانشین او ادامه می‌یابد. مساحت کردن زمین‌ها و تعیین شیوه‌ها و تعرفه‌های جدید مالیاتی، مهم‌ترین اقدامات و اصلاحات انوشیروان در این رابطه به‌شمار می‌آیند:

سه یک بود گر چاریک بهر شاه	قباد آمد و ده یک آورد راه
ز ده یک بر آن بُد که کم‌تر کند	بکوشد که که‌تر چو مه‌تر کند
زمانه ندادش بر آن بر درنگ	به دریا بس ایمن مشو بر نهنگ!
به کسری رسید آن سزاوارتاج	بخشید بر جای ده یک خراج

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴)

۱-۴. نبود امکان و حق استفاده از محصول پیش از ارزیابی کارگزاران و پرداخت

سهم شاه:

از دیگر مشکلات مهم اجرایی در سیستم مالیاتی پیش از اصلاحات، کوتاهی‌ها، تأخیرهای گاه‌وبی‌گاه و قانونی و غیرقانونی متصدیان و زدوبندهای گوناگون ایشان در امر جمع‌آوری



مالیات‌ها بود که سبب ایجاد «اختلال و بی‌نظمی در دریافت‌ها»، «پوسیدگی، فساد و از میان رفتن بخشی از محصولات»، «افزایش خسارت‌ها»، «نداشتن اختیار عمل در زمان، مقدار برداشت و استفاده از محصول از سوی کشاورز و باغ‌دار» و در نتیجه بروز نارضایتی‌ها می‌گشت که در نهایت، هم به ضرر مردم و هم دولت تمام می‌شد. به گزارش شاهنامه تا پیش از قباد، امکان برداشت محصول پیش از پرداخت سهم شاه ممکن نبود و کشاورزان و باغ‌داران تا زمان سرکشی مأموران و تعیین میزان مالیات، حق و جرأت برداشت محصول خود و استفاده از آن را نداشتند:

ز شاهان هر آنکس که بد پیش از اوی اگر کم بدش گاه اگر بیش از اوی
بجستند بهره ز کشت و درود نه کس دست را سوی رسته پسود/
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴)

در مورد مصرع «نه کس دست را سوی رسته پسود!» که البته در دستنویس‌ها و سایر تصحیح‌ها به گونه‌های دیگر هم ضبط شده، توضیحات و معانی گوناگونی دیده می‌شود؛ اما در هیچ‌یک از شرح‌های شاهنامه، منظور دقیق کلام شاعر بیان نشده؛ نگارنده پیش از این در مقاله‌ای با عنوان برداشتی تازه از مصرع: نه کس دست را سوی رسته پسود (آبان‌ماه ۱۴۰۰)، تمامی این موارد را آورده و عنوان نموده بود که بررسی تک‌تک واژه‌های مصرع یادشده (بر مبنای تصحیح خالقی مطلق)، به‌روشنی بیان‌گر این حقیقت است که منظور فردوسی از این مصرع این بوده که: هیچ‌یک از (مالیات‌دهندگان اعم از زراعت‌کنندگان و باغ‌داران) تا زمان سرکشی مأموران مالیاتی، ارزیابی دقیق آنان و پرداخت سهم شاه، امکان و جرأت برداشت محصول خود، استفاده و یا حتا فروش آن را نداشتند که این اشکال در نهایت با اصلاحات جدید انوشیروان و تعیین تعرفه‌های جدید مالیاتی و قیمت‌گذاری محصولات رفع می‌شود. این نظر با دقت در اشاره مجمل‌التواریخ (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۷۴)، توجه به عبارت ثعالبی: «فحن نخاف ان تمسها: ما می‌ترسیم دست به آن ببریم» و بلعمی: «ما دست بدین نیاریم کردن»، نزدیکی آن‌ها به اشاره فردوسی «نه کس دست را سوی رسته پسود» و نیز داستانی که این قانون در آن به شکل حکایتی آمده، به‌خوبی قابل دریافت است. داستانی که براساس آن زنی به کودک خویش (در برخی منابع دخترک خویش) اجازه خوردن حتا یک انار (در برخی منابع انگور) را نمی‌دهد و قباد وقتی علت را از زن جویا می‌شود با پاسخ تأمل‌برانگیز زن روبه‌رو می‌گردد (عدم امکان دست بردن به محصول پیش از پرداخت سهم شاه) و در نهایت تصمیم به اصلاحاتی در این زمینه می‌گیرد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۸۵؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲/۳۰۳-۳۰۴؛

همو، ۱۳۶۶: ۷۰-۷۱؛ بلعمی، ۱۳۵۳: ۲/ ۹۷۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۸۰-۸۱؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹) که مضمون آن در واقع، همین مصرع مورد نظر شاهنامه است.

۱-۵. تعلق خراج به محصول ناکشته:

برای حل ایرادی که پیش از این وجود داشت، انوشیروان دستور می‌دهد تا بر زمین‌هایی که در آن‌ها کشتی صورت نگرفته خراجی تعلق نگیرد:

به ناکشته‌اندر نبودی سخن پراگنده شد رسم‌های کهن
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴)

اشاره منابع دیگر در مورد تعلق مالیات بر زمین‌های آباد، مؤید همین اشاره فردوسی است (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۰۱-۷۰۲؛ ابن حوقل، ۱۹۳۹: ۲/ ۳۰۴؛ همو، ۱۳۶۶: ۷۱؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۰۳).

۱-۶. سخت‌گیری در دریافت مالیات

یکی دیگر از مشکلات در فرآیند جمع‌آوری و دریافت مالیات‌ها، سخت‌گیری‌های بیش از اندازه بر مردم عادی بود که موجبات نارضایتی آن‌ها را فراهم می‌کرد. آن‌چه از بررسی سیاست‌های شاهان ایرانی در زمینه مالیات‌ها دریافت می‌شود این است که شاهان، همواره هشدارهایی را در این زمینه می‌دادند و سعی در پیش‌گیری از وقوع آن‌ها داشتند؛ برای نمونه، شاپور اردشیر در عهد خود به پسرش هرمز در باب عدالت مالیاتی و عدم سخت‌گیری در دریافتی‌ها، و هم‌چنین روش وصول مالیات‌ها طی افساط ده‌ماهه چنین تأکید می‌کند: «چون از خراج‌گزاران، پرداخت خراج را به شتاب بخواهند، آنان ناگزیر به فروش غلات خود به هنگام کساد بازار شوند و این به آنان زیان می‌رساند و اگر مهلت بسیار به آنان داده شود طمع می‌بندند که از آن‌چه باید بپردازند، هرچه کم‌تر بدهند. پس به کارگزاران مالیاتی خود دستور بده که خراج هر سال را در ده قسط ماهانه بستانند تا بیت‌المال به حقوق خود برسد و خراج‌گزار نیز فرصت داشته باشد که بی‌شتاب و با مهلت آن را بپردازد» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۱۴). این اشاره در *السعاده و الإسعاد* نیز با محوریت دقت در گماشتن فردی از بزرگان مردم یا فرمانده‌ای از فرماندهان لشکر بر سرزمینی که خراج آن زیاد و آن زمین دوردست است و قاطعیت بر روی خیانت و خطای انجام شده دیده می‌شود (عامری نیشابوری، ۱۳۳۶: ۲۹۹)؛ البته این روایت‌ها در *شاهنامه* نیامده، اما نکاتی که در این باب بیان شده، نشان‌دهنده دغدغه شاهان پیش از قباد در موضوع عدالت مالیاتی و قوانین منظم در این رابطه است. در این راستا، بنابر نظر انوشیروان این میزان سهم دولت، برای طبقات پایین جامعه سنگین بود؛ از این‌رو علاوه بر کاهش آن، دستور قسط‌بندی خراج‌ها طی سه نوبت در سال و هر چهارماه یک‌بار داده



می‌شود تا از فشار بر مردم کاسته شود. از طرفی، به کسانی هم که نمی‌توانند در زمان مقرر، مالیات خود را وصول کنند فرصتی داده می‌شود:

کسی بر کدیور نکردی ستم به سالی به سه بهره بود این درم
گزارنده بردی به دیوان شاه ازین باژ بهری به هر چار ماه
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵)

انوشیروان هم‌چنین در نامه خود به کارداران باژ و خراج مقرر می‌دارد که هر چهارماه، یک بهره (سهم) از این‌ها را با عدالت و احترام طلب کنند: «به هر چار ماهی یکی بهر ازین/ بخواهید با دادو باآفرین» (همان، ۶۲۶). در منابع دیگر نیز سه نوبت در سال (طبری، ۱۳۶۲: ۱/۷۰۲) و (یک‌سوم) در اقساط سه‌ماهه هر چهارماه یک‌بار (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۱/۳۴-۳۵؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۱) دیده می‌شود.

در یک کلام، آن‌چه از گزارش شاهنامه برمی‌آید این است که اصلاحات مالیاتی انوشیروان در راستای حقوق مردم و کاهش فشار بر ایشان موثر واقع شد؛ هرچند که در دوره خسرو پرویز کارگزار شاه، مالیاتی چندبرابر گرفته بود و یکی از اتهامات شاه نیز این بود که فردی ستم‌گر را گماشت تا بر مردم، بقایای خراج بیست و سی ساله را بگیرد. این اشاره در شاهنامه همان است که فردوسی آورده: «ز بیچارگان خواسته بستدی» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۱۰۴۲). در تاریخ طبری این کاردار مالیاتی، فرخزاد پسر سُمی نام دارد که مردم را شکنجه می‌داد و ستم می‌کرد و اموالشان را به ناحق می‌گرفت (طبری، ۱۳۶۲: ۱/۷۶۵-۷۶۶). به بیان بلعمی نیز دریافت خراج بیست‌ساله و سی‌ساله، دل مردم را نسبت به خسرو پرویز تباه کرد (بلعمی، ۱۳۵۳: ۱/۱۱۴۶). این روایت با اشاره‌ای جزئی‌تر در منابع دیگر هم آمده (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۵۸؛ نویری، ۱۳۶۷: ۱۰/۲۲۱؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۳۸؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۰) و حتا براساس تجارب‌لامم، سومین دلیل کشته شدن خسرو پرویز همین مسأله عنوان شده است (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۲۳۱). با این حال پیگولوسکایا عقیده دارد هیچ اطلاعی درباره تغییرات احتمالی مالیات‌ها در دوره خسرو دوم در دست نیست و ترتیبی که خسرو اول بنیان نهاد تا پایان ساسانیان ادامه یافت (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

۱-۷_ روند ناعادلانه دریافت مالیات:

یکی از نمودهای بی‌عدالتی، دریافت مالیات از همه افراد بدون در نظر گرفتن شرایط آنان بود. انوشیروان این قانون را اصلاح نموده و رسم دریافت مالیات سرانه را تنها از کسانی که دهقان نبودند پای‌گذاری کرد؛ مالیات سرانه بنابر میزان توانایی پرداخت و جای‌گاه اجتماعی، درآمد و

قدرت مالی افراد و با ترتیب زمانی مشخص، طی اقساط چهارماهه (در سال) از ده تا چهار درهم دریافت می‌شد تا بدین ترتیب بر شهروندان ستمی روا داشته نشود:

کسی کش درم بود و دهقان نبود ندیدی غم و رنج کشت و درود
بر اندازه از ده درم تا چهار به سالی ازو بستدی کاردار
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵)

در منابع دیگر، کم‌وبیش و به شکل مفصل‌تری به میزان مالیات سرانه بین چهار، شش، هشت تا دوازده درهم اشاره گردیده و به اندازه توان‌گری و تنگ‌دستی از افراد مشمول این نوع مالیات نیز نام برده شده است^[۸] (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۳؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱/۲؛ ۵۲۷؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۷۵)

۲- جلوگیری از تخلفات و جرائم مالیاتی

وقوع جرائم مالیاتی به اشاره شاهنامه و سایر منابع تاریخی که عموماً از سوی کارگزاران و اقطاع‌داران صورت می‌گیرد، شامل تخلفاتی چون: ستم‌ها و سخت‌گیری‌های بیش از حد به مردم عادی و دریافت خراج اضافه از آنان (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۳-۷۰۴؛ جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۸؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۴)، خیانت در اموال مالیاتی و کسری بودجه از این بخش (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۷؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۳) و رشوه‌گیری و سهل‌گیری‌های خارج از قاعده و قانون به توان‌گران و زمین‌داران بزرگ می‌گردد؛ (همان) چراکه اشارات منابعی چون *مروج‌الذهب* (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/۲۴۶-۲۴۷) و *سیاست‌نامه* (خواجه نظام‌الملک طوسی، ۱۳۹۸: ۳۴-۴۵) نشان می‌دهد که علاوه بر ستم‌های برخی عمال شاه بر مردم، یکی از مهم‌ترین تخلفات مالیاتی از ناحیه اشراف و زمین‌داران بزرگ صورت می‌گرفت که اقطاع و امتیازات خاص و بخشودگی‌ها به آن‌ها واگذار شده بود و بخش عمده‌ای از مالیات زمین‌ها توسط آنان دریافت می‌شد و از آن‌جا که نظارت دقیق و منظمی هم از سوی دولت صورت نمی‌گرفت، در نتیجه، میزان واریزی‌ها به خزانه، همواره با مشکل و کاستی‌های شدیدی همراه بود. این سیاست علاوه بر عدم شفافیت در درآمدهای مالیاتی دولت، سبب ستم‌های بی‌شمار بر مردم بیچاره و فشاری دوجندان بر ایشان می‌گشت که این خود، مانعی در راه تحقق عدالت مالیاتی بود. کارکردهای شاهان شاهنامه در جای‌گاه یک قانون‌گذار، در چنین مواقعی این بود که در کنار دریافت مالیات برای تأمین امنیت و اداره کشور با بازرسی‌های دقیق و آگاهی از چندوچون دریافت مالیات‌ها و نظارت بر تنظیم صورت‌حساب‌ها و موارد واریزی به خزانه، نظارت دقیقی هم بر نوع رفتار با مالیات‌دهندگان (مردم) داشته باشند و با اتخاذ سیاست‌های تزدیلی و تنبیهی تاحدودی از این فشارها بکاهند.



راه کارهای پیش‌گیرانه از ارتکاب جرائم مالیاتی و تلاش در جهت کاهش فساد مالی کارگزاران در عهدنامه‌های شاهان ساسانی شاهنامه و سایر منابع، نشان از توجه و اهتمام شاهان ایرانی در راه تحقق عدالت مالیاتی و کاهش جرائم در این زمینه دارد؛ از آن جمله: حساسیت و دقت در انتخاب کارگزاران مالیاتی و مجازات شدید متخلفان و بررسی دقیق درهم‌درهم خراج و نادیده نگرفتن خطاهای کوچک در عهدنامه خسرو پرویز با فرزندش شیرویه (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۶: ۷۰-۷۱ و ۱۲۴)، دقت در انتخاب کارگزاران مالیاتی و زیر نظر گرفتن روش و رفتار آن‌ها در عهد شاپور اردشیر به فرزندش به نقل از *الوزراء و الکتّاب* (جهشیاری، ۱۴۳۰: ۳۶؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۳-۳۴)، سیاست و روی‌کرد شفاف‌سازی از طریق بازرسی و به کار گماردن جاسوسان و مأموران مخفی- اطلاعاتی (جهشیاری، ۱۴۳: ۳۷؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۴؛ فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۲) و درنهایت، فراهم آوردن حق دادخواهی مستقیم مالیاتی برای مردم (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۲).

در این راستا بنابر اشارات منابع تاریخی و شاهنامه، انوشیروان هم قوانینی در باب کاهش تخلفات و رسیدگی به اعتراض‌ها و دادخواهی‌ها فراهم می‌کند. هدف از این اصلاحات، شفافیت‌سازی و نقش مستقیم دولت در دریافت‌های مالیات ارضی از دهقانان و حذف یا کاهش موانع و چالش‌های فراروی اخذ مالیات، به‌ویژه مبارزه با بی‌عدالتی‌های مالیاتی و رفتارهای ظالمانه کارگزاران دولتی بود. با اصلاحاتی که انوشیروان انجام داد، اشراف و مالکان بزرگ، امکان دریافت مستقیم مالیات را از دست می‌دادند و در این میان از ستم‌های آنان علیه زمین‌داران کوچک و متوسط و روستاییان کاسته می‌شد و امکان فرار و معافیت‌های مالیاتی نیز کاهش می‌یافت؛ از سویی مأموران مالیاتی هم نمی‌توانستند رشوه و یا مالی بیش از مقدار تعیین‌شده دریافت کنند. این عدالت مالیاتی از یک‌سو سبب نظام‌مند شدن دخل و خرج دولت و از سویی، سبب افزایش روحیه و انگیزه مردم و رونق کشاورزی می‌گشت؛ درواقع همان ارتباط چندسویه‌ای که پیش از این بدان اشاره شد.

سیاست‌های انوشیروان به اشاره شاهنامه در زمینه کاهش تخلفات بر مواردی چون گماردن مأمورین مخفی اطلاعاتی، نظارت شخصی، تحقق سازمانی منظم و قاعده‌مند از طریق ایجاد دفاتر دولتی و تدوین نظام‌نامه مالیاتی، تهیه نسخه‌ها و رونوشت‌های مالیاتی، هشدار در مورد مجازات متخلفین و اعمال قوانین سخت‌جزایی دلالت دارد. بازرسی‌های روزگار انوشیروان در مورد رفتار و روش مأمورین مالیاتی و زیاده‌روی‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که تا آن زمان در اخذ مالیات معمول بود، شیوه‌ای دقیق برای جلوگیری از تخلفات به‌شمار می‌آمد. بدیهی است این

افراد، اشخاص مورد اعتماد و دادگری بودند تا این امر با دقت و سلامت کاری بیش‌تری انجام شود:

پراگنده کار آگهان در جهان که تانیک و بد زو نماند نهان
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵)

بخش هشتم از کارنامه انوشیروان هم به تلاش شاه در به کار گماردن افرادی امین و درست‌کار جهت نظارت بر مالیات‌ها، دریافت گزارش از داوران هر منطقه، فراهم نمودن امکان دادخواهی مستقیم مردم، آگاهی از ستم‌ها و فشارهای مالیاتی، و پی‌گیری‌های خود شاه در این رابطه اشاره دارد (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۲). انوشیروان در ادامه، به رسم بارعام و رسیدگی شخصی خود و در مواقع دشوارتر، رسیدگی گروهی از دبیران و موبدان و پیرامونیان در مورد اعتراض به ستم‌های باج‌خواهان و گرفتن حق مردم دادخواه از ستم‌هایی که بر ایشان در روند باج‌خواهی‌ها صورت گرفته تأکید نموده است (همان).

گذشته از موارد بیان‌شده، سیاست‌های مالیاتی، نیازمند وجود یک نظام اداری منظم و مشخص هم بود تا در آینده به جهت بُعد قانونی قابل بررسی و پی‌گیری باشد؛ در این راستا، اقدامات انوشیروان به گزارش شاهنامه، شامل ایجاد دفاتر دولتی و تدوین مالیات‌ها در چندین نسخه به شکل گزارش و ارسال آن به عمال، کارداران و مهتران و دو نسخه هم در دست گنجور و موبد موبدان، جهت آگاهی از عملکرد مأموران و مراجعه حقوقی به آن‌ها، هنگام نیاز بود که همگی در راستای کاهش تخلفات انجام شد:

گزیت و خراج آن چه بُد نام برد به سه روزنامه^۹ به موبد سپرد
یکی آن که بر دست گنجور بود نگهبان آن نامه دستور بود
دگر تا فرستد به هر کشوری به هر کارداری و هر مه‌تری
سه دیگر که نزدیک موبد برند گزیت و سر باژها بشمرند
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵)

در گزارش تاریخ طبری و اخبار الطوال نیز تهیه سه نسخه از آیین‌نامه مالیاتی (نسخه‌ای برای دیوان، نسخه‌ای برای عمال، و نسخه‌ای برای قضات ولایت‌ها) با هدف نظارت بر میزان دریافت‌ها از مردم دیده می‌شود (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۴؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰). نظارت شخصی و آگاهی از عمل‌کردها از دیگر موارد مهم در این راستاست:

به فرمان او بود کاری که بود ز باژ و خراج و ز کشت و درود
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۵)

در کارنامه انوشیروان به نقل از تجارب‌الامم، شاه در کار رسیدگی‌های مالیاتی به سه دلیل اشاره می‌کند که اگر ترس از آن‌ها نبود، شخصاً اداره کار مالیات و رسیدگی به عرایض مردم را



قریه به قریه متعهد می‌شد و با فرد فرد مردم مملکت سخن می‌گفت (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۸۱). حساسیت انوشیروان تا بدان‌جا بود که حتا بزرگان و نزدیکان او هم نمی‌توانستند در امور مربوط به مالیات دخالت و سؤاستفاده‌ای کنند. انوشیروان به کارگزاران مالیاتی اعلام می‌دارد که اگر کسی بیش از مقدار تعیین‌شده از مردم بگیرد و بیداد کند او را با اَره به دو نیم خواهد کرد:

چن این نامه آرند نزد شما	که فرخنده باد اورمزد شما!
کسی کو بر این یک درم بگذرد	به بیدادبر یک نفس بشمرد
به یزدان که او داد دیهیم و فرّ	اگر نی میانش ببرم به آر

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۶)

مشابه چنین مضمون و دستوری از سوی انوشیروان در *آداب الحرب و الشجاعة* دیده می‌شود که شاه در پی توصیه‌ی وزیر خود، به عمال ولایات مختلف نامه می‌نویسد تا مبادا به جهت دریافت‌های به ناحق، حتا یک وجب زمین، ناکشت و ویران شود و اعلام می‌کند که در صورت دادن چنین گزارشی آن عامل را بر دار خواهد کرد (مبارکشاه، ۱۳۴۶: ۱۱۸-۱۱۹).

بهترین نشانه آگاهی انوشیروان از روند مالیات‌ها و کار کاردارانش و گزارش‌هایی که در این باب به او داده می‌شده، به اشاره *شاهنامه* در مورد کاردار مالیاتی اهل نسا دیده می‌شود که در پسا (فسا: در فارس) مشغول به کار است و پس از شمارش درم‌های او در دیوان محاسباتی، متوجه مبلغ سیصد هزار درهم کسری بودجه می‌شوند؛ اما انوشیروان دستور می‌دهد تا کسری مالیات را از او مطالبه نموده و حتا از گنج شاهی هم به او مساعدت مالی کنند:

به دربر یکی مرد بُد از نسا	پرستنده و کاردارِ پسا
درم ماند بر وی چو سیصد هزار	به دیوان چو کردند با او شمار
نماید همی کین درم خورده شد	بر موبد و گهبید آزرده شد!
چن آگاه شد ز آن سخن شهریار	که موبد درم خواست از کاردار
بفرمود کز خورده منمای رنج	بخشید چندی مر او را ز گنج

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۷۷۰)

در *توقیعات*، توضیحات بیش‌تری در مورد بررسی میزان دارایی فرد مورد نظر و عدم دست‌برد او و این‌که خیانتی متوجه او و کسری بودجه پیش‌آمده نیست دیده می‌شود (توقیعات کسری انوشیروان، ۱۳۸۷: ۹۰). به بیان *خالقی مطلق* اشارات توقیعات نشان می‌دهد که این فرد، مأمور گرفتن مالیات‌های عقب‌افتاده بوده، ولی نتوانسته همه آن را وصول کند و چون پس از بررسی متوجه می‌شوند که ثروتی هم ندارد و بنابراین گمان بالا کشیدن مالیات دولت نیز بر او نمی‌رود؛ برای همین، شاه پس از آگاهی از اصل مطلب و وضع مالی آن مرد، دستور می‌دهد

کسری مالیات را از او مطالبه ننموده و کمکی هم به او نکنند (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: ۱۰/۴۳۰). دریافت ناعادلانه مقدار بی‌شماری از اموال مردم از سوی سالار سپاه مرو که به‌نوعی در زمره تخلفات مالیاتی و حتا نظامی محسوب می‌شود نیز با برخورد سخت انوشیروان همراه است. صدور حکم اعدام و اجرای آن در ملأعام (مجازات تأدیبی: برای عبرت سایرین) و نگون‌سار کردن جسد (مجازات تزدیلی: خوارکنندگی مجرم) از نکات مهمی است که در این مجازات دیده می‌شود:

<p>دگر گفت: انوشه بدی سال و ماه فراوان درم گرد کرد و بخورد چنین داد پاسخ که آن خواسته چرا باید از خون درویش گنج از آن کس که بستد بدو بازده بفرمای داری زدن بر درش ستمگاره را زنده بر دار کن</p>	<p>به مروان‌درون پهلوان سپاه پراگنده گشتند از آن مرز مرد که از شهر مردم کند کاسته که او شاد باشد، تن‌وجان به‌رنج؟! و زآنپس به مرواندر آواز ده به بینایی کشور و لشکرش دو پایش زبر، سر نگون‌سار کن (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۷۷۱)</p>
---	--

تلاش‌های انوشیروان در باب عدالت در دریافت‌های مالیاتی و ستم بر مردم که در گزارش شاهنامه دیده می‌شود، به اشاره *الوزراء و الکتتاب* از سوی پادشاهان پس از انوشیروان نیز ادامه می‌یابد که در راستای همان سیاست کوتاه کردن دست کارگزاران متخلف و جلوگیری از ستم بر مردم است: «و کانت الأکاسرة بعد أنوشیروان تقول لأهل الخراج: مَنْ كَرِهَ مِنْكُمْ الأَدَاءَ إِلَى الْعَمَالِ، فِهَذَا بَيْتٌ مَلْنَا فَأَدُّوا إِلَيْهِ. فَلَمْ يَكُنْ عَامِلٌ يَبْسُطُ إِلَى ظَلَمٍ أَحَدٍ، خَوْفًا مِنْ عُدُولِ الرَّعِيَّةِ إِلَى بَيْتِ الْمَالِ بِأَدَاءِ الْخَرَجِ، فَيُسْتَدَلُّ بِذَلِكَ عَلَى مَذْهَبِهِ؛ پس از انوشیروان، پادشاهان ایران به بدهکاران مالیات می‌گفتند: "هر کس از شما نخواهد به مأموران مالیات بپردازد، آن را به بیت‌المال و خزانه ما تسلیم نماید." از آن پس هیچ مأموری دست تعدی به‌سوی کسی دراز نمی‌کرد، تا مبادا رعیت برای دادن خراج به بیت‌المال روی آورد و در نتیجه، رفتار ظالمانه او فاش و ثابت گردد» (جهشیری، ۱۴۳۰: ۳۹؛ همو، ۱۳۴۳: ۳۶).

۳- معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی

معافیت‌های مالیاتی در شاهنامه به‌منظور تأمین اهداف سیاسی (مشروعیت‌یابی و افزایش محبوبیت و جلوگیری از شورش‌ها)، تقویت حکومت مرکزی، انضباط در سیستم دریافت‌های مالیاتی، رعایت عدالت و اهداف اقتصادی در دو نوع «فردی» و «گروهی» و در چند زمان به‌خصوص دیده می‌شوند: ۱. به هنگام بر تخت نشستن؛ ۲. به هنگام پیروزی و موفقیت در



جنگ؛ ۳. به هنگام زیان‌های ناشی از حوادث طبیعی از جمله بروز خشک‌سالی؛ ۴. و به صورت کلی‌تر در هنگام اصلاحات مالیاتی انوشیروان.

تأمین هزینه بخشودگی‌های مالیاتی در شاهنامه نیز از منبع گنج‌ها و منابع مالی مردم (دریافت جرائم قضایی) صورت می‌گیرد. در این میان، کشاورزان به‌عنوان تأثیرگذارترین فعالان بخش اقتصادی، بیش‌ترین سهم را در میان گروه‌های مشمول معافیت‌های مالیاتی دارند که عموماً در زمان خرابی‌ها و بروز بلایای طبیعی به آنان کمک‌هایی می‌شود. در مواقع خاص نیز زمین‌های نآباد که کشتی در آن‌ها صورت نمی‌گیرد به‌طور موقت، از پرداخت مالیات معاف‌اند. درویشان و مناطق گرفتار فقر نیز در زمره دومین گروه‌هایی هستند که شامل معافیت‌ها می‌شوند. اشاره بعدی هم مربوط به گروه توان‌گران (اشراف و خاندان‌های بزرگ) است: «...آن را که بُد تخت عاج» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۸۴۱).

کهن‌ترین اشارات شاهنامه در مورد بخشودگی‌های مالیاتی مربوط به ضحاک است. او نخستین کسی است که بخشودگی مالیاتی و برکناری از پرداخت باژ برای اعراب در موردش گزارش شده است:

به سر برنهاد افسر تازیان بریشان ببخشید سود و زیان^[۱۰]
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۱/۲۶)

مهری بهفر در این‌باره معتقد است: «شاید بخشیدن مالیات توسط ضحاک پس از به پادشاهی رسیدنش، بازمانده‌ی خاطره بخشیدن مالیات از سوی گئوماتای مغ در زمان داریوش باشد که در کتیبه بیستون از آن یاد شده است و احتمالاً رسمی باستانی بوده است برای تحبیب مردم و به دست آوردن دل آنان از سوی پادشاهی که مشروعیت نداشته، یا به روشی غیرمشروع تاج و تخت را به دست آورده بود» (فردوسی، ۱۳۹۴: ۱/۲۱۲).

اهتمام شاهان کیانی نیز در مورد کنارآمدن با مردم در امر مالیات و بخشودن آن در زمان‌هایی خاص در برخی منابع بازتاب یافته؛ از آن جمله، در *غررالسیر* از زبان منوچهر آمده: «حق مردم بر شاهان این است که... اگر آفات آسمانی و زمینی پدید آمد که موجب کاهش غلات و درآمد آنان گردد، از خراج به میزان همان کاستی بگذرد و زیان‌های آنان را جبران کند؛ چندان که بتوانند آبادانی از سر گیرند» (تعالی، ۱۳۶۸: ۵۰). همین مضمون دقیقاً در منابع دیگر نیز آمده است (طبری، ۱۳۸۳: ۱/۲۹۱؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۵۸). این سخنان که مربوط به خطابه منوچهر می‌شود نمونه‌ای در شاهنامه ندارد؛ اما وجود آن در چند منبع یادشده، نشان از وجود چنین سیاست و اندیشه انسانی در لابه‌لای روایات شاهان کیانی دارد. برخی منابع نیز به بخشودگی خراج به مدت هفت سال در دوران پادشاهی «زو» در پی مردم‌نوازی او اشاره

کرده‌اند (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۳۶۹؛ ثعالی، ۱۳۶۸: ۹۲؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۴). اسکندر نیز به مدت پنج سال از بخشودگی خراج در ابتدای بر تخت نشستن خود خبر می‌دهد و البته در این میان، افرادی که ادعای هم‌شأن بودن با شاه را دارند مستثنی می‌کند: «نخواهیم باژ از جهان پنج سال/ جز آن کس که گوید که هستم همال» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۲۶۵). آیین بخشودگی مالیاتی در دورهٔ ساسانی *شاهنامه* هم با حکومت اردشیر بابکان آغاز می‌گردد:

ز ده یک مرا چند بر شهرهاست	که دهقان و موبد بر آن بر گواست
نخواهم، بیخشم شما را همه	همان ده یک بوم و باژ رمه
مگر آن چه آید شما را فزون	بیارد سوی گنج ما رهنمون

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۳۹۰)

در نامهٔ اردشیر به خواص مردم و بزرگان نیز بخشودگی خراج بر مردم از روی نیک‌خواهی دیده می‌شود (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۱۰۳؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۶: ۱/۶۰؛ مسعودی، ۱۳۸۲: ۱/۲۴۳). به اشاره *شاهنامه* هم اردشیر بابکان، آبادانی و سرکشی به وضعیت زمین‌ها و کشاورزان را توسط کارآگاهان خود در پیش می‌گیرد تا هرگونه کاستی و مشکلی را در این بخش گزارش دهند و از این طریق، مناطق ناآباد و گرفتار فقر که صاحبان‌شان توان مالی چندانی را برای آباد کردن زمین خود ندارند، شناسایی و مشمول همیاری اقتصادی دولت و معافیت‌های مالیاتی کنند:

فرستاده بودی به گرد جهان	خردمند و بیدار و کارآگهان
که جایی که بودی زمینی خراب	و گر تنگ بودی به روداندر آب
خرج اندر آن بوم برداشتی	زمین کسان خوار بگذاشتی ^{۱۱۱}

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۳۸۹)

سیاست تخفیف مالیاتی اردشیر در پی سفارش‌های او از سوی پسرش شاپور در خطبه خود به هنگام بر تخت نشستن نیز دیده می‌شود. او بیان می‌دارد که میزان دریافت‌ها را به میزان سی درصد از کل درآمد پایین خواهد آورد؛ هرچند ابیاتی که پس از این در مورد مشکلات زمان قباد آمده نشان‌گر آن است که این موارد تنها در قالب همان شعار مانده و عملی نشده است:

همان رسم شاه بلند اردشیر	به جای آورم با شما ناگزیر
ز دهقان نخواهم جز از سی یکی	درم تا به لشکر دهم اندکی

(همان: ۴۰۱)

بخشودگی‌های مالیاتی در سیاست اردشیر نیکوکار نیز چنین عنوان شده است:



چو ده سال گیتی همی‌داشت راست بخورد و ببخشید چندان که خواست
نجست از کسی باژ و ساو و خراج همی رایگان داشت آن گاه و تاج
(همان: ۴۴۹)

اما بیش‌ترین سهم از بخشودگی‌های مالیاتی و مساعدت‌ها در زمینه بازپرداخت وام در شاهنامه به بهرام گور اختصاص دارد. این‌گونه بخشش‌ها در ابتدای بر تخت نشستن شاهان، در واقع نوعی سیاست معمول جهت مشروعیت حکومت شاه جدید و پذیرش هرچه بیش‌تر در میان مردم و جلب حمایت اشراف و بزرگان هم به‌شمار می‌آمد؛ هم‌چنان‌که کریستین سن در این‌باره آورده: «در کتب، اشاره بسیار هست که پادشاهان هنگام جلوس، رعایا را از بقایای مالیاتی دوره سلف خود معاف می‌کردند و این خراج‌بخشی، برای شاه جدید وسیله جلب قلوب عامه بود. ورهام پنجم چون بر تخت نشست فرمان داد که از مالیات‌های معوقه که میزان آن به هفتاد میلیون درهم بالغ می‌شد، صرف‌نظر کنند و مالیات ارضی سال جلوس او را هم یک ثلث تخفیف دهند» (کریستین، ۱۳۸۵: ۸۸). بر مبنای این سیاست و به گزارش شاهنامه، بهرام پس از بر تخت نشستن، دستور می‌دهد بدهی‌های مالیاتی را که تا آن زمان انباشته شده و مبلغ هنگفتی هم به حساب می‌آمد ببخشند و دفتر بده‌کاری‌ها را هم بسوزانند:

ز باقی ^{۱۲۱} که بُد نزد ایرانیان	بفرمود تا بگسلند از میان
دیوران دانا بدایوان شدند	ز بهر درم پیش دیوان شدند
ز باقی که بُد بر جهان سربسر	همه برگرفتند یک با دگر
نود بار و سه بار کرده شمار	بر ایران درم بُد هزاران‌هزار
ببخشید و دیوان بر آتش نهاد	همه شهر ایران بدان گشت شاد

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۴۸۶-۴۸۷)

طبری نیز درباره بخشودگی مالیاتی بهرام به وقت تاج‌گذاری آورده است: «و چنان بود که وقتی بهرام به پادشاهی رسید، بگفت باقی‌مانده خراج را به خراج‌گزاران ببخشند و بدو خبر دادند که باقی‌مانده، هفتاد هزارهزار درهم است و بگفت تا نگیرند و یک‌سوم خراج آن سال را نیز ببخشند» (طبری، ۱۳۶۲: ۱۲/۶۲۳). بهرام هم‌چنین پس از پیروزی بر خاقان و کسب غنائم بسیار، به‌عنوان جشن پیروزی و برای ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، خطاب به کارگزارانش از هفت‌سال بخشودگی مالیاتی جامعه ایرانی و غیرایرانی برای عموم مردم خبر می‌دهد و خراج را که مبلغ هنگفتی بود می‌بخشد:

نخواهم خراج از جهان هفت سال اگر زبردستی بود، گر همال!
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۵۴۸)

مدت زمان این بخشودگی در منابع دیگر «سه سال» (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۶۲۳؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/۱۵۳؛ نویری، ۱۳۶۷: ۱۰/۱۸۰) و نیز «یک سال» (دینوری، ۱۳۶۴: ۸۵؛ ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸۱) گزارش شده است. بهرام خود اشاره می‌کند که دادگری‌ها و بخشودگی‌هایش برای جبران تمام ستم‌هایی است که پدرش یزدگرد به مردم وارد کرده بود که این خود نوعی تلاش برای مشروعیت‌بخشی هرچه بیش‌تر و جلب اعتماد زیردستان از سوی او به‌شمار می‌آید:

اگر خواهم از زیردستان خراج ز دارنده بیزارم و تخت عاج
اگر بدکنش بد پدر یزدگرد به پاداش او داد کردیم گرد
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۵۵۶)

البته معافیت‌های مالیاتی گسترده و ناکارآمد، خود یک نقص و اختلال در روند اقتصادی بود که زیاده‌روی در آن سبب فساد مالی، افزایش انگیزه فرار مالیاتی در میان مردم، تهی شدن خزانه دولت، از میان رفتن امنیت اقتصادی و اجتماعی، بروز ناامنی و هرج‌ومرج، از هم پاشیدگی ارتش و تأثیر منفی بر اقتدار سیاسی دولت می‌گشت؛ هم‌چنان‌که فردوسی در آخرین بخشودگی مالیاتی بهرام در اواخر عمرش به این امر آشکارا اشاره دارد. در پی فرمان بهرام گور مبنی بر نستاندن باج و خراج از مردم، از نقاط مختلف کشور به‌سوی او نامه می‌نویسند که دادگری و بخشش بی‌اندازه شاه، سبب بروز ناامنی اجتماعی، خون‌ریزی‌های بی‌شمار و گستاخی و کج‌روی جوانان شده است:

بفرمود پس تا خراج جهان نخواهند نیز از کهان و مهان...
برآن بخردان کارها بسته شد ز هر کشوری نامه پیوسته شد
که از داد و بیکاری و خواسته خرد شد به مغزاندرون کاسته
ز بس جنگ و خون‌ریختن در جهان جوانان ندارند ارج مهان!
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۵۸۱-۵۸۲)

روایت بخشیدن خراج از سوی بهرام و خرابی‌های حاصل از آن تنها در برخی منابع آمده؛ از جمله در *غرر/السیر* به روی آوردن مردم به لهو و لعب و خوش‌گذرانی و خالی شدن بازارها از کالا و رکود بازرگانی، سستی صنعت‌گران و کشاورزان در کار و فراموشی عمران و آبادانی در پی این بخشش‌های هفت‌ساله اشاره شده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۶۳-۳۶۴). در *تاریخ قم* هم مشغول شدن مردم به لهو و لعب و خرابی عمارات در پی بخشودگی پنج‌ساله آمده است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۷). به گزارش *شاهنامه*، نامه‌های بی‌شمار به شاه سبب می‌شود تا بهرام برای حل مشکل پیش‌آمده، کارداران مالیاتی دادگر و پردانسی را با حقوق و مزایا به کار گمارد تا در طول شش ماه، دیوان محاسباتی را تنظیم نموده و از زیردستان خرج بستانند. برای جلوگیری از بروز آشوب و جنایت نیز هر سال، شش ماه از مردم خراج بگیرند و در شش ماه آن باژ را به



مردم بازگرداندند تا مردم از روی بی‌کاری، خون یک‌دیگر را نریزند و به بدکرداری و بدرفتاری روی نیاورند:

ز هر کشوری کارداری گزید
که شش ماه دیوان بیاراستی
نهادی بر آن سیم نام خراج
به شش ماه بستد، به شش باز داد
بدآن چاره تا مرد بی‌کار خون
پر از دادودانش چونان چون سزید...
وژان زبردستان درم خواستی
به دیوان ستاننده با فرّ و تاج
نبودی ستاننده زآن سیم شاد
نریزد، نباشد به بد رهنمون
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/۵۸۲)

پس از بررسی‌های دوباره، کارآگاهان شاه به آشوب‌های ناشی از این بخشش‌های بیش از حد چنین اشاره می‌کنند:

که هر کش درم بُد خراجش نبود
به سرش اندرون داوری‌ها فرود
(همان)

بهرام هم فرمان می‌دهد تا مردم، نیمی از روز را به کار مشغول باشند و از کشت و ورز آسوده نباشند (همان). در گزارش ثعلابی هم به فرمان بهرام، مردم به کسب و کار خود روی می‌آورند و تا نیم‌روز به کار و کوشش و نیمی هم به خوش‌گذرانی مشغول می‌شوند (ثعلابی، ۱۳۶۸: ۳۶۴). در تاریخ قم نیز آمده: «پس بهرام ایشان را الزام و تکلیف کرد به خراج بائر و معمور تا بایر را بدان سبب معمور گردانیدند و ارتفاع آن بر ارتفاع آبادان زیاده گشت» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۷). البته در این باره می‌توان گفت، گزارش نابسامانی‌هایی که در پی بخشیدن خراج صورت می‌گیرد، در واقع بخش مهمی از آن به دلیل توجه بیش از حد بهرام به اطرافیان و دادن املاک و اراضی به ایشان است که در پی خرابی‌ها و به‌وجود آمدن نابسامانی‌ها به صاحبان پیشین بازگردانده می‌شود و آبادانی و فراوانی محصول رونق می‌گیرد؛ هرچند که در شاهنامه به‌طور کاملاً واضحی به این مسأله اشاره‌ای نشده است.

مهم‌ترین «معافیت مالیاتی همگانی» به بیان شاهنامه در زمان پیروز یزدگرد رخ می‌دهد. او در مواقع خشک‌سالی با بخشودگی‌های مالیاتی، تعادل اقتصادی را در بازار برقرار می‌کند. فردوسی سیاست پیروز یزدگرد را در این شرایط ویژه و تلاش در جهت حل این مشکل چنین بیان می‌کند:

هوا را دهان خشک چون خاک شد!
ز بس مردن مردم و چارپای
ز تنگی به جوی آب تریاک شد!
ز پپی را ندیدند بر خاک جای
خرج و گزیت از جهان برگرفت
شهنشاه ایران چو دید آن شگفت
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۵۹۱)

در تاریخ طبری به حذف هفت‌سال قحطی خراج و جزیه و نوبتی و بیگاری (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۶۲۹)، در *الکامل* به نامه نوشتن پیروز، خطاب به مردم و آسودگی خاطر آنان از معافیت باژ و خراج (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/ ۴۷۴)، در *آثارالباقیه* به خراج نگرفتن چندساله فیروز از مردم (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۳)، و در *فارسنامه* به رهاکردن خراج و بسیاری مال‌های دیگر (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸۳) اشاره شده است؛ دیاکونوف هم آورده: «در نتیجهٔ بروز خشک‌سالی و قحطی ممتدی که طبق بعضی از اخبار، هفت‌سال امتداد یافت، وضع داخلی ایران بحرانی شد و به‌طوری‌که در تاریخ ذکرشده، فیروز برای جلوگیری از این بلیه، دست به یک‌رشته اقدامات زد؛ من جمله بعضی از مالیات‌ها را لغو کرد و انبارهای دولتی تأسیس نمود و مالکین عمده را مجبور کرد تا ذخائر غله خود را بین مردم تقسیم کنند» (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۴۰۲). به عقیده روین هم قحطی‌های مکرر، شاهان را وادار می‌کرد که گاه‌به‌گاه مالیات‌ها را ببخشند (Rubin, 1995: 229).

دیگر بخشودگی‌های مهم مالیاتی، پیرو اصلاحات خسروانوشیروان رخ می‌دهد. او در ابتدای پادشاهی خود، خراج ده‌یک را هم که پیش از آن پدرش به آن مقدار کاسته و رسانده بود می‌بخشد:

به کسری رسید آن سزاوار تاج ببخشید بر جای ده‌یک خراج
(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/ ۶۲۴)

بنابر اشاره *غرر/السیر* نیز پس از داستان چیدن انار و سخنان زن با قباد، شاه تحت تأثیر سخنان زن این ایراد را با برزمهر (بزرجمهر) در میان می‌گذارد و این اوست که به شاه پیش‌نهاد می‌دهد خراج را از غلات و میوه‌ها بردارد و از پرداخت مالیات معاف کند (ثعالی، ۱۳۶۸: ۳۸۵). در کارنامه انوشیروان هم پیرامون اهتمام شاه در امر تخفیف‌های مالیاتی و کاهش فشار بر مردم آمده: «چون بر آن شدم تا خود به پی‌گیری کار مردم پردازم و گرفتاری و ستم را از آنان بردارم و سنگینی باج بر آنان سبک کنم - چه فزون بر پاداشی که در آن است، مایهٔ بهبود کشور و بی‌نیازی مردم گردد و به شهریار توان دهد تا به هنگام نیاز، باج بایسته از ایشان بستاند» (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۸).

به اشاره *شاهنامه*، انوشیروان هم‌چنین پیرو سیاست مساعدت کشاورزان از طریق معافیت در خراج، خطاب به مأموران مالیاتی نامه‌هایی نوشته و دستور می‌دهد تا تنها به دریافت یک درم بسنده کنند و برای رفاه حال کشاورزان و بهبودی طبقه پایین، مالیات را از زمین‌هایی که زیر کشت نیست بردارند. این اصلاحات سبب شد تا کشاورزان تاحدودی از بار این هزینه‌ها و احتمالاً ستم‌های مالیات‌گیرندگان رهایی پیدا کنند:



گزیتی نهادند بر یک درم گر ایدونک دهقان نباشد دژم...
 به ناکشته اندر نبودی سخن پراگنده شد رسم‌های کهن
 (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۲۴)

یکی از مهم‌ترین اشکالات رسم مقاطعه که پیش از این بدان اشاره شد، مشکلاتی از قبیل خشک‌سالی بود. به همین دلیل به دستور انوشیروان به محصولات خردادماه معافیت مالیاتی تعلق می‌گیرد:

و زین خوردنی‌های خردادماه نکردی به باراندرون کس نگاه
 (همان: ۶۲۵)

انوشیروان هم‌چنین دستور می‌دهد تا دهقانانی که محصولاتشان به سبب نیامدن باران به بار ننشسته و یا دچار آفت و زیان ملخ و یا سرما و گرمای شدید و خشک‌سالی شده، مشمول معافیت‌های مالیاتی شوند:

مخواهید باژ اندر آن بوم و رست که ابر بهاران به باران نشست!
 (همان: ۶۲۷)

به گزارش تاریخ طبری و اخبار الطوال هم انوشیروان در پی اصلاحات مالیاتی خود مقرر می‌دارد کسانی که به کشت و محصولات آن‌ها آفت و آسیبی رسیده، به نسبت آفت وارده، خراج از ایشان برداشته شود و از مالیات معاف شوند (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۷۰۴؛ دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰). براساس شاهنامه، انوشیروان هم‌چنین خطاب به مردم این اطمینان خاطر را می‌دهد که باقی‌مانده خراج را نیز به آنان بخشیده و بنابراین بابت این مسأله نگران نباشند. این رسمی است که در مورد بهرام گور نیز در ابتدای پادشاهی‌اش برای ایجاد ذهنیت مثبت در جامعه دیده شد:

سخن گرچه اندک بود در نهان بپرسد ز من کردگار جهان
 ز باژ و خراج آن کجا مانده‌است که موبد به دیوان ما رانده‌است
 نخواهند نیز از شما زرّ و سیم مخسبید ازین پس ز من دل به بیم!
 (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/۶۳۱-۶۳۲)

سیاست‌های بخشودگی شاهان به‌ویژه بر بخش کشاورزی و کشاورزان بدان علت است که اینان زمین‌داران و خرده‌مالکانی هستند که مالیات‌های آنان مستقیم توسط مالکان بزرگ و اشراف گرفته می‌شود و به احتمال بسیار در این میان دچار قرض و بدهی‌های بسیار سنگین

نیز هستند؛ بنابراین دولت با این بخش‌ها، آنان را از زیر بار این بدهی‌ها خلاص می‌کند تا این بی‌عدالتی‌ها به زیان بخش کشاورزی و درنهایت زیان خود دولت و امنیت و اقتصاد کشور تمام نشود. نیاز به یادآوری است که در پی اصلاحات انوشیروان، گروه‌هایی هم از مالیات سرانه معاف می‌شوند که در منابع مختلف به آن‌ها اشاره شده؛ اما نام این گروه‌ها در شاهنامه نیامده است؛^[۱۳] در این میان، با وجود آن‌که انگیزه اصلی خسرو تنظیم و اجرای یک سیستم مالیاتی عادلانه بود، اما معافیت‌های طبقات بالای جامعه از میان نرفت؛ با این حال، تاحدودی تعادلی در معافیت‌های آنان هم ایجاد شد (Rubin, 1995: 254).

هرمزد انوشیروان نیز از دیگر شاهانی است که به بهانه پیروزی بهرام چوبینه بر ساوه‌شاه و کشتن او خراج را به مدت چهار سال به درویشان و توان‌گران می‌بخشد: «ببخشید پس چارساله خراج/ به درویش و آن را که بُد تخت عاج» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/ ۸۴۱). این در حالی است که برخلاف آگاهی‌های مربوط به ملاطفت و بخشندگی هرمزد در منابع تاریخی، اتهاماتی چون خساست و وارد آوردن فشار مالی بیشتر بر مردم و وضع مالیات‌ها به زیان مالیات‌دهندگان از سوی اشراف و سپاهیان عالی‌رتبه به هرمزد نسبت داده شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۹۳).

۴- اعطای وام و مساعدت در بازپرداخت آن

یکی از جنبه‌های مهم اقتصادی در گذشته که در ثبات اقتصادی، گردش مالی و پولی و توزیع عادلانه درآمدها تأثیری بسزا داشت، اعطای وام و سود و بهره و دریافت گروگانی (وثیقه) بود. سیاست پرداخت تسهیلات و وام‌ها درواقع یکی از جنبه‌های مساعدت اقتصادی دولت در راستای کمک به اشتغال و در اصل، رونق اقتصادی برای بده‌کارانی بود که در بازپرداخت‌های خود دچار مشکل شده‌اند.

دایره واژگانی و ترکیباتی که فردوسی پیرامون وام‌دهی به کار برده، شامل مواردی چون «فام»، «فام‌خواه»، «فام‌خواهان»، «دارند وام/ فام است/ فام دارد» برای اصطلاح وام‌دارنده/ وام-دار و «توزیدن فام» می‌گردد که معادل‌های این واژگان در زبان پهلوی به‌ترتیب عبارتند از: وام/ قرض (abām)، وام‌دهنده/ طلبکار (abām-dādār) وام‌دار/ بدهکار (abāmdār) و بازپرداخت وام/ وام‌توزش (abām-tōzišn) (منصوری، ۱۳۹۵: ۱-۳). شیوه پرداخت وام و تسهیلات مالی در سیاست‌های حکومتی شاهان ساسانی شاهنامه دیده می‌شود که البته تنها بُعد مساعدت اجتماعی آن مطرح نبوده، بلکه به‌واقع یکی از سیاست‌های شاهان برای افزایش اقبال عمومی و نشان دادن حس نیت در اذهان عمومی همین هم‌پاری‌ها بوده که تنها در دو نوع «دولت به مردم» و «مردم به دولت» دیده می‌شود و وام‌دهی مردم عادی به یک‌دیگر در



شاهنامه نمونه ندارد. منبع مالی اعطای وام نیز در شاهنامه از گنج‌های شاهان، موقوفات و اموال مربوط به مصادره مالی مجرمان تأمین می‌شود.

به بیان طبری کهن‌ترین اشاره به وام‌دهی از بیت‌المال در میان شاهان ایرانی مربوط به عهد منوچهر با کارگزارانش است (طبری، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۹۲). بنابر اشاره بیرونی در آثارالباقیه نیز پیروز در روزگار خشک‌سالی: «درهای خزینه خود را گشود و از مال‌هایی که به آتش‌کده‌ها تعلق داشت هر کس می‌خواست بدو وام می‌داد و آن اموال را تمامی به مردم ایران داد» (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۳). اشاره بیرونی نشان‌گر وجود سرمایه هنگفت آتش‌کده‌هاست که از همین پرداخت‌های شاهان و مردم به دست می‌آمده؛ این اشاره در شاهنامه نیامده، اما جالب است که گفته شود بنابر اشاره «مادیان هزار دادستان» در دوره ساسانی از محل منابع مالی آتش‌کده‌ها نیز به مردم وام داده می‌شد (مادیان هزاردادستان، ۱۳۹۱: ۲۱۶؛ Perikhanian, 1980: 133).

نخستین و بیش‌ترین اشاره شاهنامه در این‌باره مربوط به پادشاهی بهرام گور است. یکی از گروه‌هایی که به دستور بهرام از گنج گاوان جمشید بهره می‌یافتند، تهی‌دستان وام‌داری هستند که در بازپرداخت‌ها دچار مشکل شده‌اند:

تهی‌دست‌مردم که دارند وام	گسسته دل از نام و آرام و کام
ز ویران و آباد گرد آورید	وُزآن پس یکایک همه بشمرید
ببخشید دینار گنج و درم	به مزد روان جهاندارجم!

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۳/ ۵۰۵)

جالب توجه است که مصرع «به مزد روان جهاندارجم» که بر شادی روان جمشید تأکید دارد، به‌واقع، همان سنت «پدروان» pad ruwān (برای روان) یا «روانگان» ruwānagān (مربوط به روان) است که همان سنت وقف برای رستگاری روان فرد در گذشته، بوده و اشاره شاهنامه نشان می‌دهد که یکی از منابع تأمین مساعدت‌های مالی برای وام‌دارندگان از محل همین موقوفات بوده است. اموال مصادره‌شده از دیگر منابع تأمین نیاز وام‌داران به‌شمار می‌آیند. اعطای وام به وام‌داران از اموال مصادره‌شده فرشی‌دورد نشان‌دهنده آن است که مصادره‌ها همواره به خزانه واریز نمی‌شدند، بلکه گاه تماماً صرف امور خیریه و اعطای وام‌ها می‌شدند:

کسی را که فامست و دینار نیست	به بازارگانی کسش یار نیست...
بریشان بخش این همه خواسته	برافروز جان روان کاسته!

(همان: ۵۳۲)

بهرام در میان دهش‌های خود پیران، بی‌کاران و جوانانی که توانایی کار ندارد را در بازپرداخت وام‌هایشان یاری می‌دهد:

دگر هرکه پیرست و بیکار و سست
همان کو جوانست و ناتندرست
وگر فام دارد کسی زین گروه
شدهست از بد فام خواهان ستوه
(همان: ۵۳۷)

او حتا وام کسانی که تمکن مالی در بازپرداخت ندارند را هم می‌بخشد: «بتوزیم فام کسی کش درم/ نباشد، دل خویش دارد به غم» (همان: ۵۳۸). افزون بر این‌ها، به زمامداران خود دستور می‌دهد تا به کسانی که برای رونق کسب‌وکار خویش نیاز به وام دارند و یا بدهی معوقه داشته و از عهده بازپرداخت اقساط برنمی‌آیند از بودجه دولتی بخشش کنند. چنین اندیشه‌هایی سبب جلوگیری از رکود اقتصادی بازار و رونق محصولات و مشاغل تولیدی و پربازده می‌گردد که نه تنها از بی‌نظمی در گردش نظام پولی جلوگیری می‌کند، بلکه به نظم‌دهی در مدیریت پول و اقتصاد کشور نیز کمک شایانی می‌نماید:

کسی را که فامست و دستش تهیست
به هر جای بی‌ارج و بی‌فرهیست
هم از گنج ماشان بتوزید فام
به دیوان‌هاشان نبیسید نام!
(همان: ۵۴۸)

تأکید فردوسی بر ثبت‌نام وام‌بگیران در دفاتر و فهرست مخصوص وام‌های دولتی، حاکی از حساسیت نظام اقتصادی و جلوگیری از هرگونه فرار یا سوءاستفاده‌های مالی به هنگام موعد بازپرداخت وام‌هاست. چنین سیستمی نشان‌دهنده تنظیم اسناد کتبی مهر و امضاشده مالیاتی بود که تا زمان اتمام وصول و بازپرداخت کامل در اختیار دولت، باقی می‌ماند و از اهمیت فراوانی نیز در نظام پولی و اقتصادی برخوردار بود که در صورت نیاز می‌توانست در دادگاه‌های قانونی مورد استناد حقوقی قرار گیرد؛ از طرفی به اشاره شاهنامه می‌توان این سیاست را نیز دریافت که ثبت نام افراد، نشان می‌دهد که اگر فرد وام‌گیرنده به هر دلیل قادر به تسویه بدهی خود نشد، با توجه به سابقه‌اش در پرداخت مالیات‌ها یا تسویه وام‌ها به او کمک‌های بلاعوض نموده یا بدهی‌اش را کاملاً تسویه کنند.

انوشیروان نیز فرمان می‌دهد تا گنجور، وام‌داران را از خزانه دولتی پرداخت کند؛ بر این مبنا به دستور او اگر وام‌خواهی بیاید و از مرد تهی‌دستی درم بخواهد، نباید که آن تهی‌دست در رنج افتد، زیرا که گنجور شاه وام او را از گنج پرداخت خواهد کرد:

وگر فام‌خواهی بیاید ز راه
درم خواهد از مرد بی‌دستگاه
نبايد که یابد تهی‌دست رنج
که گنجور فامش بتوزد ز گنج!
(همان: ۷۱۶/۴)



بر این اساس، گزارش‌های شاهنامه حاکی از آن است که در صورت ناتوانی فرد در بازپرداخت بدهی‌ها، دولت، برخلاف امروز به اموال و مالکیت خصوصی مردم دست‌اندازی نمی‌کند، بل که به وام‌گیرنده کمک هم می‌کند. برمبنای برخی منابع حقوق زرتشتی^[۱۴] نیز وام‌دهنده نمی‌تواند بدون حکم قضایی، خانه فرد وام‌گیر را تفتیش و دارایی او را مصادره کند؛ برای نمونه، براساس پرسش ۶۷ ام از روایت آذرفرنبغ فرخزادان، بازپرداخت وام از طریق دست بردن وام‌دهنده به مال وام‌گیرنده جز با فرمان و فتوای دستوران ممکن نیست و تابع مقررات قانونی و شرایط خاص است (روایت آذر فرنبغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۵۲). حتا در پرسش ۶۹م نیز بیان می‌شود مرد وام‌داری که از عهده وام‌اش بر نمی‌آید، تنها با حکم داور پنج روز به زندان می‌افتد و اگر توانایی کارکردن دارد باید به او کار داد و مقداری از آن را برای روزی‌اش تعیین و مابقی را به‌عنوان بدهی تلقی نمود و اگر نمی‌تواند کار کند باید به او روزی متوسط داد (همان: ۵۵). البته در فرهنگ حقوقی زرتشتی، اصطلاحاتی چون «گروگانی» (ستاندن بها یا معادل از وام‌دار) و قوانین متعدد نیز در این رابطه وجود دارد که امکان دخل و تصرف وام‌دهنده را نیز فراهم می‌سازد؛ هم‌چنان‌که بنابر قوانین مادایان هزاردادستان این امکان برای فرد طلب‌کار وجود داشته (مادایان هزاردادستان، ۱۳۹۱: ۱۳۴، ۱۶۵-۱۶۸؛ Perikhanian, 1980: 59) که عموماً در قالب آن‌چه پیش از آن به‌عنوان ضمانت گرفته شده، یا در قرارداد قید شده بود به طلب‌کار تعلق می‌گرفت.

جدای از موارد یادشده، بنابر اشارات شاهنامه تنها این دولت نیست که به مردم وام می‌پردازد، بل که مردمی هم که توانایی مالی خوبی دارند در هنگام نیاز دولت (کسری بودجه به هنگام جنگ‌ها) به شاه وام می‌دهند.^[۱۵] این فرآیند به‌طور قطع در دفاتر مخصوص دریافت و پرداخت وام‌ها و بده‌کارهای دولت نسبت به سرمایه‌داران اقتصادی ثبت می‌شده؛ بهترین مثال در این‌باره ماجرای کفش‌گر است که آمادگی خود را برای دادن وام به دولت انوشیروان اعلام می‌کند که بر مبنای آن گروه‌های هدف برای گرفتن وام و قرض، سرمایه‌داران بزرگ و افراد پراوازه هستند؛ اعم از بازرگانان، دهقانان و دیگر افراد. تأکید بر این مطلب که این وام به زودی پس داده خواهد شد نیز حاکی از قوانین دقیق در این رابطه و احترام شاه به نقدینگی سرمایه‌داران و عدم دست‌اندازی به اموال ایشان است:

بدین شهرها گرد ما در که هست	کسی کو درم بیش دارد به دست
ز بازرگان و ز دهقان درم	اگر فام خواهی نگردد دژم...
ز بهر سپه این درم فام خواه	به زودی بفرماید از گنج شاه

(فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/ ۷۸۷)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به ترتیب اشاراتی پیرامون تاریخچه دریافت مالیات به گزارش شاهنامه و منابع تاریخی دوره اسلامی و نیز اهمیت دریافت خراج ارائه شد. هر سه اشاره موجود پیرامون اهمیت دریافت «عادلانه خراج»، مربوط به مخارج لشکریان و یک مورد آن نیز مربوط به حفظ تخت و تاج شاهی و امنیت کشور بود که همین یک مورد نیز با میزان قدرت و قوای نظامی ارتباطی تنگاتنگ داشت. بر این اساس، رابطه میان عدالت، اقتصاد و امنیت مهم‌ترین برداشتی بود که می‌توان از دریافت‌های مالیاتی در شاهنامه داشت. در این راستا نظام مالیاتی شاهنامه با چند چالش و مانع بزرگ مواجه بود که راهکارهای گوناگونی نیز برای آن‌ها صورت پذیرفت. نخستین مورد آن مبارزه با تخلفات و تلاش در جهت اجرای عادلانه و صحیح نظام مالیاتی بود. کاهش ستم بر مردم و نوع اصلاحات انجام شده انوشیروان، جای‌گزینی روش مقاطعه با تمامی مزایای آن به‌ویژه امکان زمین‌داران و باغ‌داران در استفاده از محصولات‌شان پیش از پرداخت سهم شاه و درنهایت، مساعدت‌های مالیاتی مهم‌ترین سیاست‌هایی بود که در این رابطه اجرا شد. درخصوص بی‌نظمی‌های موجود در دریافت مالیات هم انوشیروان دستور به قیمت‌گذاری محصولات و تعیین تعرفه‌های جدید مالیاتی داد و خراج نقدی را در کنار خراج جنسی پررنگ‌تر کرد. سخت‌گیری‌ها و ستم‌های بیش از حد بر مردم که مهم‌ترین مشوق پرداخت‌های مالیاتی شاهنامه یعنی «دریافت‌های عادلانه» را کنار می‌زد با تعیین نرخ‌های مشخص، قسط‌بندی، دریافت مالیات‌های سرانه با چارچوب مشخص بنابر میزان توانایی مالی، سیاست‌های پیش‌گیرانه و جلوگیری از تخلفات مالیاتی و حساسیت در تنظیم و ثبت دریافتی‌ها در دیوان خراج تا حد زیادی برطرف شد.

در زمینه پرداخت و دریافت وام‌ها (دولت به مردم و مردم به دولت) گردش و رونق اقتصادی و اقتدار و امنیت ملی مهم‌ترین دلایل به دست‌آمده‌اند. در این‌باره آنچه اهمیت دارد توجه به حقوق وام‌گیرندگان و عدم دست‌اندازی به مالکیت‌ها و اموال خصوصی مردم است. نکته‌ای که در دنیای امروز چندان توجهی بدان نمی‌شود.



پی‌نوشت‌ها

۱. «مالیات آیین» هدایایی بود که هنگام تشریف به حضور در نوروز و مهرگان ناگزیر بایستی تقدیم می‌کردند (کریستین سن، ۱۳۱۴: ۸۵). جاحظ به وجود این رسم در نوروز و مهرگان و مزایایی که به این افراد در آینده تعلق می‌گرفت اشاره کرده (الجاحظ، ۱۳۴۳: ۲۰۳). در شاهنامه نیز به مالیات آیین و درواقع، پیش‌کش‌هایی که در این زمان‌ها از سوی نام‌داران و بزرگان به دربار می‌رسید، از زبان خسروپرویز چنین اشاره شده: «جز از هدیه و باژ هر کشوری/ ز هر نامداری و هر مهتری؛ جز از رسم و آیین نوروز و مهر/ از اسپان و از بنده‌ی خوب‌چهر» (فردوسی، ۱۳۹۸: ۴/ ۱۰۵۰).
۲. دریافت مالیات از پیروان مذاهب دیگر که در داخل کشور زندگی می‌کردند، سیاستی بود تا انتشار آن مذهب، کم و روزبه‌روز ضعیف‌تر شود. نمونه آشکاری از این‌گونه مالیات در شاهنامه نیامده؛ اما اشاره به وجود اقلیت‌ها به‌ویژه در دوره ساسانی شاهنامه، مؤید چنین سیاستی است.
۳. در شاهنامه می‌توان دریافت آذوقه سپاهیان از روستاییان را هم به‌نوعی مالیات جنسی قلمداد نمود (هاجری امیری کله‌جویی، ۱۳۹۲: ۱۳۰).
۴. در دوره ساسانی از مهرهای مختلفی برای شاهان و در نتیجه، دیوان‌هایی جداگانه نام برده‌اند که یکی از آن‌ها برای «خراج» بوده است. نامه‌های مخصوص مالیات بر روی کاغذهای سفیدی نوشته و در حضور شاه خوانده می‌شد و متصدی خراج هر سال دفتر مبالغ خراج گردآوری شده و مخارج و موجودی بیت‌المال را پیش شاه آورده و شاه آن را مهر کرده و توقیع می‌گذاشت. واستریوشان‌سالار (صاحب دیوان خراج/ رئیس مالیه)، و سپهران همارکار (مأمور/ موکل خراج) و گنجور (خزانه‌دار شاه) متصدیان امور مالیه به-شمار می‌رفتند (کریستین سن، ۱۳۱۴: ۸۱). بلعمی از اصطلاح «واستریوشان» برای صاحب کل دیوان خراج یاد کرده است (بلعمی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۹۴۸). «در فهرست درباریان نرسی از رئیس حساب‌داران (hštrhmkr) -شهرآمارگر- مترجم- یاد شده است. یکی از کارهای او رسیدگی به مالیات‌های واصله به خزانه شاهی و رسیدگی‌های شاه و امور مالی کشور بود» (لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۰۶).
۵. گزارش برخی منابع نشان می‌دهد که انوشیروان برای انجام این اصلاحات، شماری از صاحب‌نظران نیک‌خواه و درواقع کسانی را که درست‌کار و مورد اعتماد وی بودند برگزید (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۰۲؛ مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۸؛ نویری، ۱۳۶۷: ۱۹۵). آن‌چه که از تاج‌نامگ به گزارش تجارب‌الامم و نهایه‌الارب نیز برمی‌آید، نشان از آن دارد که انوشیروان در اصلاح قوانین مالیاتی به شیوه‌های گذشتگان از گشتاسپ تا قباد و نیز قوانین روم و هند را بررسی نموده و از مواردی که به نظرش درست آمده بهره برده، و مابقی را کنار گذاشته است (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۸۹؛ نویری، ۱۳۶۷: ۱۰/ ۲۰۳). پیگولوسکایا نیز عقیده دارد کتاب قانون سریانی که مجموعه قوانینی رایج و مکتوب در سده پنجم میلادی بوده، احتمال دارد در ایران برای آشنایی با نظام مالیاتی بیزانس مورد استفاده قرار گرفته باشد (پیگولوسکایا، ۱۳۹۴: ۱۵۰ و ۱۵۵). هرچند روبین معتقد است: این دیدگاه که خسرو از قوانین امپراتوری روم الهام گرفته را باید کنار گذاشت (Rubin, 1995: 295).
۶. در قوانین اصلاحی انوشیروان بر تک‌درختان به‌جهت استفاده رهگذران خراج تعلق نمی‌گرفت: «و بر نخلستان‌ها خراج نهادند نه بر تک‌نخل‌ها» (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۰۳).

۷. میزان مالیات باغ‌های انگور و خرما از همه مالیات‌ها بیش‌تر است؛ به جهت آن که نگهداری آن‌ها آسان‌تر و هزینه‌شان کم‌تر است (بادامچی- غلامی، ۱۳۹۲: ۵۷).
۸. برای آگاهی بیش‌تر در مورد گزارش‌های منابع مختلف از مالیات سرانه و معافیت‌های مربوط به آن ر.ک: (غفوری، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۷).
۹. خوارزمی در *مفاتیح العلوم* به رزنامج (روزنامه/ یادداشت روزانه) اشاره کرده که کارهایی چون گرفتن خراج یا پرداخت نفقه و... را هر روز در آن می‌نوشتند (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۵۷).
۱۰. در یادداشت‌های خالقی مطلق، مصرع دوم چنین برداشت شده است: «ضحاک مسؤولیت کارها و نیک و بد آن را به تازیان سپرد» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: ۱۰/ ۶۴)؛ اما جوینی «سود و زیان» را: مال و دارایی (فردوسی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۹۹) کزازی سود و زیان را «خواسته و سرمایه و در پی آن باژ و آنچه به فرمان‌روا می‌پردازند» دانسته (فردوسی، ۱۳۹۲: ۱/ ۳۴۰). جنیدی نیز درباره این مصرع آورده: «روشن نیست که چگونه سود و زیان هر دو را با هم بخشید» (فردوسی، ۱۳۸۷: ۱/ ۶۵).
۱۱. خالقی مطلق در شرح این بیت و ضبط «خوار بگذاشتی» آورده: «از زمین (بی‌آب و بی‌محصول) مالیات نمی‌گرفت و زمین چنین کسانی را بی‌اعتنا رها می‌کرد» (خالقی مطلق، ۱۳۹۱: ۱۰/ ۱۸۶)؛ یعنی در واقع نسبت به گرفتن مالیات از آن‌ها بی‌اعتنا بود. اشاره به مضمون فردوسی در *تاریخ طبری و غررالسیر* دیده نمی‌شود. در اشاره بنداری هم آمده: «سیرته انه کان یفرق ثقاته فی اقطار ممالکه حتا ان رأوا ضیعه متشعته أمر باقساط خراجها و النظر فی حال اهلها: «و نیز کارآگاهان به اطراف مملکت می‌فرستاد تا اگر دیه‌ی ویران می‌یافتند، فرمان می‌داد تا خراج از آن بردارند و در بهبود حال مردمش بکوشند» (بنداری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۰۷).
۱۲. به اشاره *مفاتیح العلوم* «باقی»، مقدار خراجی است که مردم بدهکارند و هنوز نپرداخته‌اند (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۶۲).
۱۳. گروه‌هایی که به فرمان انوشیروان از مالیات سرانه معاف شدند، در منابع مختلفی چون *تاریخ طبری* (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۰۳)، *تجارب‌لامم* (مسکویه رازی، ۱۳۸۹: ۱/ ۱۷۸)، *اخبارالطوال* (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۰۰) و *الکامل* (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۲/ ۵۲۷) شامل خاندان‌های بزرگ، افسران و جنگاوران، هیربدان، دبیران و خدمت‌گزاران شاه و کارمندان دربار و افراد زیر بیست و بالای پنجاه سال می‌گردند؛ اما در *تاریخ قم* به شکل کامل‌تری این گروه‌ها به ترتیب شامل بیوتات، طایفه زنان، کتاب و اهل علم از طلبه و حفاظ و غیر آن، خدمت‌کاران، افراد زیر ۲۰ و بالای ۵۰ سال، درویشان از عجزه و مساکین، افراد زمین‌گیر و از کور و شل و مفلوج و... هستند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹).
۱۴. نشانه‌هایی از مقررات و قوانین مربوط به وام و تعهدنامه‌های مربوط به پرداخت و بازپرداخت وام در برخی از متون پهلوی دیده می‌شود؛ از آن جمله در «سگادم‌نسک»/ *وستا* برخی قوانین مربوط به وام آمده (کتاب هشتم دین‌کرد، ۱۳۹۷: ۱۷۷). بندهایی از برخی فصل‌های *مادیان* نیز در مورد وام و بازپرداخت آن و موارد قضایی و قانونی آن است. در این باره نگاهی کنید به: مادیان هزار دادستان، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۴، ۹۶، ۱۳۳-۱۳۵، ۱۶۶؛ ۹۹؛ ۸۹، ۵۹-۵۷، ۵۳، ۳۱-۲۹ (Perikhanian, 1980: 29-31, 53, 57-59, 89, 99). جدای از این‌ها در مجموعه حقوقی *یشوع‌بخت* نیز یکی از بخش‌ها قوانین مربوط به وام است که در آن از اصطلاحاتی چون «پسند» (موافقت وام‌دهنده در صرف‌نظر از سود وام) و مواردی چون *مقاوله‌نامه‌های تعهدات* مربوط به پرداخت و اخذ



وام و نرخ معمول بهره در ایران یاد شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۸۷-۱۹۱؛ بارشاطر و دیگران، ۱۳۷۷: ۶۲/۲).

۱۵. یکی از دلایل مهم کسری بودجه دولت در روزگار ساسانی، ناهماهنگی در دریافت مالیات‌ها بود که در ضعف دولت مرکزی و نابسامانی امور تأثیری بسیار داشت (عرب - صادقی، ۱۳۹۲: ۹۳-۹۴).

فهرست منابع

- ابن بلخی. (۱۳۸۵). *فارس‌نامه*، تصحیح و تحشیه: گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن حوقل، أبی القاسم. (۱۹۳۹). *صورة الارض*، القسم الثاني، لیدن: بریل.
- ابن حوقل، أبی القاسم. (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم. (۱۴۰۶ هجری). *عیون الاخبار*، جلد اول، قاهره: دارالکتب المصریه.
- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۳). *تاریخ کامل*، ترجمه سیدمحمدحسن روحانی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الأرض و الأنبیاء)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- آلتهایم، فرانسیس - استیل، روت. (۱۳۸۲). *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- امیری کله جوئی. هاجر. (۱۳۹۲). بررسی مسائل اقتصادی در شاهنامه فردوسی، استاد راه‌نما: عیسی نجفی، دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه رازی.
- بادامچی، حسین، غلامی، مریم. (۱۳۹۲). «نگاهی دیگر به اصلاحات مالیاتی ساسانیان در دوره خسرو انوشیروان»، *فصل‌نامه مسکویه*، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۷۲-۴۹.
- بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۵۳). *تاریخ بلعمی*، به تصحیح ملک الشهرای بهار، جلد دوم، تهران: نشر زوار.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۶). *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- پیگولوسکایا، نینا. (۱۳۷۲). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیگولوسکایا، نینا. (۱۳۹۴). *ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میربها، تهران: انتشارات ققنوس.
- *توقیعات کسری انوشیروان*. (۱۳۸۷). محمدجلال‌الدین طباطبایی زواری، ترجمه حاج- حسین نخجوانی، تهران: نشر شفیع.



- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی*، با دیباچه مجتبی مینوی و مقدمه و ترجمه محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- الجاحظ، ابوعثمان عمر بن بحر. (۱۳۴۳). *تاج*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس. (۱۳۴۳). *الوزراء و الکتاب*، تصحیح مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران: چاپ تابان.
- جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس. (۱۴۳۰ ه. ق.). *الوزراء و الکتاب*، بیروت: دارالفکر الحدیث.
- خالقی مطلق. جلال، (۱۳۹۱). *یادداشت‌های شاهنامه*، جلد ۱۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- خواجه نظام‌الملک طوسی، حسن بن علی. (۱۳۹۸). *سیرالملوک (سیاست‌نامه)*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی با هم‌کاری انتشارات سخن.
- خوارزمی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف. (۱۳۶۲). *ترجمه مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- داراب هرمزدیار. (۱۹۲۲). *روایات داراب هرمزدیار*، جلد اول و دوم، بمبئی.
- دیاکونوف، م. م. (۱۳۴۶). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. (۱۳۶۴). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- *روایت آذرفرنبغ فرخزادان*. (۱۳۸۴). مصحح و مترجم: حسن رضائی باغبیدی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*، جلد دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- عامری نیشابوری، محمد بن یوسف. (۱۳۳۶). *السعادة و الإِسعاد فی سیره الإنسانیة*، به کتابت و مباشرت مجتبی مینوی، آلمان: ویسبادن.
- عرب، حسنعلی - صادقی، حسین. (۱۳۹۲). «برآورد درآمدهای مالیاتی دولت ساسانی»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال هشتم، شماره سی و دوم، صص ۱۱۰ - ۸۹.

- **عهد اردشیر** (۱۳۴۸). استاد احسان عباس، محمدعلی امام شوشتری، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- **غفوری، فرزین** (۱۳۹۷). **سنجش منابع تاریخی شاهنامه در پادشاهی خسروانوشیروان**، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- **فرای، ریچارد نلسون** (۱۳۷۷). **میراث باستانی ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- **فردوسی، حکیم ابوالقاسم** (۱۳۸۷). **شاهنامه فردوسی**، ویرایش: فریدون جنیدی، جلد اول، تهران: نشر بلخ.
- **فردوسی، حکیم ابوالقاسم** (۱۳۹۴). **شاهنامه فردوسی؛ تصحیح انتقادی و شرح یکایک ابیات**، مه‌ری بهفر، دفتر یکم، تهران: نشر نو.
- **فردوسی، حکیم ابوالقاسم** (۱۳۹۴). **شاهنامه**، به قلم عزیزالله جوینی، جلد اول، تهران: نشر دانش‌گاه تهران.
- **فردوسی، حکیم ابوالقاسم** (۱۳۹۸). **شاهنامه**، پیرایش: جلال خالقی مطلق، بخش یکم تا دوم (چهارجلدی)، تهران: نشر سخن.
- **قمی، حسن‌بن محمد بن حسن** (۱۳۶۱). **تاریخ قم**، ترجمه حسن‌بن علی‌بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح و تحشیه: سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران: انتشارات توس.
- **کتاب سوم دین‌کرد** (۱۳۸۴). دفتر دوم، آوانویسی، یادداشت‌ها و ترجمه: فریدون فضیلت، تهران: انتشارات مهرآیین.
- **کتاب هشتم دین‌کرد** (۱۳۹۷). آوانویسی، ترجمه و یادداشت از محسن نظری فارس‌انی، تهران: انتشارات فروهر.
- **کریستین سن، آرتور** (۱۳۸۵). **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نشر صدای معاصر.
- **کولسنیکف، آ. ای** (۱۳۵۷). **ایران در آستانه یورش تازیان**، پیراستار: ن. و پیگولفسکایا، ترجمه م.ر. یحیایی، تهران: انتشارات آگاه.
- **گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود** (۱۳۶۳). **زین‌الأخبار**، به تصحیح و تحشیه و تعلیق: عبدالحی حبیبی، تهران: چاپخانه ارمغان.
- **لوکونین، و. گ.** (۱۳۵۰). **تمدن ایران ساسانی**، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- **مادیان هزار دادستان (هزار رأی حقوقی)**. (۱۳۹۱). فرخ مرد بهرامان، پژوهش سعید عریان، تهران: نشر علمی.
- مبارکشاه، محمد بن منصور (معروف به فخر مدبر). (۱۳۴۶). **آداب الحرب و الشجاعة**، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال.
- **مجملة التوارىخ و القصص**. (۱۳۱۸). به تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران: نشر خاور.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۸۲). **مروج الذهب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج اول، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۸۹). **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- مسکویه رازی، ابوعلى. (۱۳۸۹). **تجارب الأمم**، ترجمه و تحشیه: ابوالقاسم امامی، ج اول، تهران: انتشارات سروش.
- منصورى، یدالله. (۱۳۹۵). **فرهنگ حقوقی زبان پهلوی؛ (فارسی میانه) بر پایه متن پهلوی مادیان هزار دادستان و دیگر متون پهلوی**، تهران: نشر آوای خاور.
- میرزایی، علی اصغر. (۱۳۹۴). «بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسروانوشیروان»، **فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی**، سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۲۴-۱۰۹.
- نویری، شهاب‌الدین احمد. (۱۳۶۷). **نهاية الارب فى فنون الأدب**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، جلد دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یارشاطر، احسان و دیگران. (۱۳۷۷). **تاریخ ایران؛ از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان**، جلد سوم، قسمت دوم، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۲). **تاریخ یعقوبی**، ترجمه محمد آیتی، جلد اول، تهران: نشر علمی و فرهنگی.

English Sources

- Perikhanian, Anahit, 1980, *the Book of Thousand Judgements :A sasanain Law. Book*, Translated from Russian by Nina Garsoian, Costa Mesa, Mazda publishers.
- Rubin, Zeev, (1995) *The Reform of Khusro Anushirwan*, in *The Byzantine and Early Islamic Near East. III: States, Resources and Armies*, Ed by A. Cameron, Princeton.

References

- Ibn Balkhi. (2007). **Farsnameh**. Ed. Guy Listrange and Reynold Alan Nicholson, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Ibn Hawqal, Abi Al-Qasim. (1939). **Sourat alarz**. 2nd ed. Leiden: Braille. [In Persian]
- Ibn Hawqal, Abi Al-Qasim. (1988). **Travelogue of Ibn Hawql; Iran in the sourat alarz**. trans. Jafar Shaar. 2nd ed. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Ibn Qutaybah Dinuri, Abdullah Ibn Muslim. (1406 AH). **Ayoun al-Akhbar**. Vol.1. Cairo: Egypt Library. [In Persian]
- Ibn Atheer, Ezzeddin .(2005). **Complete History**. trans. Seyed Mohammad Hassan Rouhani. Vol.1-2. 3rded. Tehran: Asatir.[In Persian]
- Isfahani, Hamza Ibn Hassan. (1968). **History of Prophets and Kings**. Trans. Jafar Shaar. Tehran: Bonyade Farhang Iran. [In Persian]
- Altheim, Franz-Steele, Ruth. (2004). **History of the Sassanid government**. trans. Houshang Sadeghi. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
- Amiri Kale juii. Hajar. (2013). Investigation of the Economic Issues in Ferdowsi's Shahnameh, (Master Thesis), Supervisor: Issa Najafi, Consultant: Elias Nouraei, Faculty of Literature and Humanities, Razi University. [In Persian]
- Badamchi, Hossein, Gholami, Maryam. (2013). "Another look at the tax reforms of the Sassanids in the period of Khosrow Anoshirvan". Quarterly Journal of Moscow, Year 8th. No. 26. 72-49. [In Persian]
- Balami, Abu Ali Muhammad. (1975). Tarikh Balami. Ed. Malek al-Sho'arai Bahar, Vol. 2 Tehran: Zavar. [In Persian]
- Biruni, Abu Rihan (2008). **Athar Al- Bagye**. trans. Akbar Dana Seresht. Tehran: Ibn Sina . [In Persian]
- Pygoluskaya, Nina. (1994). Cities of Iran during the Parthian and Sassanid eras, trans. Enayatullah Reza. 2nd ed. Tehran: .Elmi Farhangi. [In Persian]
- Pyguluskaya .Nina. (2016). **Iran and Byzantium in the 6th and 7th centuries AD**, trans. Kambiz Mirbaha. 2nd ed. Tehran: Ghoghnoos. [In Persian]
- **Kasra Anushirvan's signatures**. (2009). by Mohammad Jalaluddin Tabatabai Zavari. trans. Haj Hossein Nakhjavani. Tehran: Shafiee. [In Persian]



- Tha'alabi Nishapuri. Abd al-Malik bin Muhammad bin Ismail. (1990). **History of Tha'alabi**. Preface by Mojtaba Minavi. trans. Mohammad Fazaeli, Tehran: Noghreh. [In Persian]
- Al-Jahez, Abu Othman Omar bin Bahr. (1965). **Crown**. trans. Mohammad Ali Khalili. Tehran: Ibn Sina Library. [In Persian]
- Jahshiari, Abu Abdullah Muhammad Ibn Abdus. (1965). **Alvozara and koottab**. Ed. Mustafa Al-Saqqa, Ibrahim Al-Abyari and Abdul Hafiz Shalabi. Trans. Abolfazl Tabatabai. Tehran: Taban. [In Persian]
- Jahshiari. Abu Abdullah Muhammad Ibn Abdus. (1430 AH). **Ministers and Books**. Beirut: Dar al-Fikr al-Hadith. [In Persian]
- khaleghi Motlagh, Jalal. (2013). **Shahnameh Notes**. Vol. 10. 2nd ed. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [In Persian]
- Khwaja Nizam al-Mulk Tusi, Hassan Ibn Ali. (2020). Sir al-Muluk (Siyasatnameh), Ed. Mahmoud Abedi. Tehran: Academy of Persian Language and Literature in collaboration with Sokhan. [In Persian]
- Kharazmi, Abu Abdullah Muhammad ibn Ahmad ibn Yusuf. (1984). **Translation of Mafatih al Ulum**. Trans. Hossein Khadivjam. 2nd ed. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
- Darab Hormozdiar. (1922). **Narrations of Darab Hormozdiar**. Vols. I and II, Bombai. [In Persian]
- Diakonov, M.M. (1968). **History of Ancient Iran**. trans. Rouhi Arbab. Tehran: Bongae Tarjomeh va Nashre Ketab. [In Persian]
- Dinuri. Abu Hanifa AhmadI bn Davud. (1986). **Akhbar al-Tawwal**. trans. Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Ney. [In Persian]
- Narrative of Azarfarnbagh Farrokhzadan. (2006). Ed. and trans. Hassan Rezaei Baghbidi, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [In Persian]
- Tabari. Muhammad Ibn Jarir. (1984). **Tarikh Tabari**. Vol. 2. 2nd ed. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Ameri Neyshabouri, Mohammad Ibn Yusuf. (1958). Happiness and Happiness in Human Life. by Mujtaba Minovi. Germany: Wiesbaden. [In Persian]
- Arab, Hassan Ali-Sadeghi, Hussein. (2013). "Estimation of tax revenues in the Sassanid government". Journal of History. Year 8. No.32. 110-89. [In Persian]
- **The Time of Ardeshir**. (1970). Ehsan Abbas, Mohammad Ali Imam Shoushtari, Tehran: Anjoman Aasare Melli. [In Persian]

- Ghafouri, Farzin (1907). **Assessing the historical sources of Shahnameh in the reign of Khosrovanoshirvan**. Tehran: Markaz Pajouheshi Mirase Maktoub. [In Persian]
- Fry, Richard Nelson. (1377). **The Heritage of Persia**. trans. Massoud Rajabunia, 5th ed. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
- Ferdowsi, Hakim Abolghasem. (2008). **Shahnameh of Ferdowsi**. Ed. Fereydoun Junidi. Vol. 1. Tehran: Balkh. [In Persian]
- Ferdowsi, Hakim Abolghasem. (2016). **Shahnameh of Ferdowsi**. Annotated Ed. Mehri Behfar. First book. 2nd ed. Tehran Nashr-e No. [In Persian]
- Ferdowsi, Hakim Abolghasem. (2016). **Shahnameh**. by Azizullah Jovini. Vol. 1. 5th ed. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Ferdowsi, Hakim Abolghasem. (2020). **Shahnameh**. Ed. Jalal Khaleghi Motlagh, 4 Vols. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Qomi, Hassan Ibn Muhammad Ibn Hassan. (1361). **History of Qom**. trans. Hassan Ibn Ali Ibn Hassan Ibn Abdul Malik Qomi. Ed. Seyed Jalaluddin Tehrani. Tehran: Toos. [In Persian]
- **The Third Book of Dinkard**. (2006). Second book, transliteration, notes and trans. Fereydoun Fazilat. Tehran: Mehraein. [In Persian]
- **The Eighth Book of Dinkard**. (2019). Transliteration, trans. and notes by Mohsen Nazari Farsan. Tehran: Forouhar. [In Persian]
- Christiansen. Arthur. (2007). **Iran during the Sassanids**. trans. Rashid Yasemi. 5th ed. Tehran: Sedaye Moaser. [In Persian]
- Kulsnikov, A. E. (1979). **Iran on the verge of the Arab Invasion**. Ed. N. Pigolfskaya. Trans. M.R. Yahyaei Tehran: Agah. [In Persian]
- Gardizi, Abu Saeed Abdul Hai Ibn Zahak Ibn Mahmoud. (1985). **Zayn al-Akhbar**. Trans. and Ed. Abdul Hai Habibi. Tehran: Armaghan
- Lukonin, W.G. (1972). **Sassanid Persian Civilization**. Trans. Enayatullah Reza. Tehran: Bongahe Tarjomeh and Nashre Ketab. [In Persian]
- **Madian Hezar Dadsetan (a thousand legal votes)**. (2013). by Farrokh Mard Bahraman. Researcher. Saeed Eryan. Tehran: Elmi. [In Persian]
- Mobarakshah. Mohammad Ibn Mansour (known as Fakhr Modbar). (1968). **Etiquettes of War and Courage**. Ed. Ahmad Soheili Khansari.. Tehran: Iqbal. [In Persian]
- **Mojmal Al-Tavarikh V al- Qesas**. (1940). Ed. Malek al Shoaraye Bahar. Tehran: Khavar. [In Persian]



-
- Masoudi, Ali Ibn Al-Hussein (2004). (1389). **Al-Tanbih wal-Ashraf**. trans. Abolghasem Payende. 4th ed. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
 - Masoudi, Ali Ibn Al-Hussein (2004). **Moravej Al-zahab**. Trans. Abolghasem Payend. Vol.1. Ch. 7. Tehran: Elmi Farhangi.[In Persian]
 - Muskouyeh Razi, Abu Ali. (2011). **Tajareb Al- Omam**. Trans and annotated Ed. Abolghasem Emami. Vol. I. Tehran: Soroush. [In Persian]
 - Mansoori, Yadollah. (2017). **Legal Dictionary of the Pahlavi Language (Middle Persian) based on the Pahlavi text of Madian Hezar Dadsetan and other Pahlavi texts**. Tehran: Avaye Khavar. [In Persian]
 - Mirzaei, Ali Asghar. (2016). **The Study of the Sassanid tax system and Financial Reforms Devised by Khosrovanoshirvan**. Quarterly Journal of Historical Research. Year. 51. New Series. Year. 7. No. 2. 124-109. [In Persian]
 - Noiri, Shahabuddin Ahmad (1989). Nahayat Al- arb fi fonun al Adab trans. Mahmoud Mahdavi Damghani, Vol. 10. Tehran: Amirkabir[In Persian].
 - Yarshater, Ehsan et al. (1999). **History of Iran; From the Seleucids to the collapse of the Sassanids**. Vol. 3. Part 2. trans. Hassan Anousheh. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
 - Yaqubi, Ahmad Ibn Ishaq (2004). **History of Yaghoubi**. Trans. Mohammad Ayati, Vol. 1. 10th ed. Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]